

زندانی سیاسی، در وه خلق ایران، بر توباد

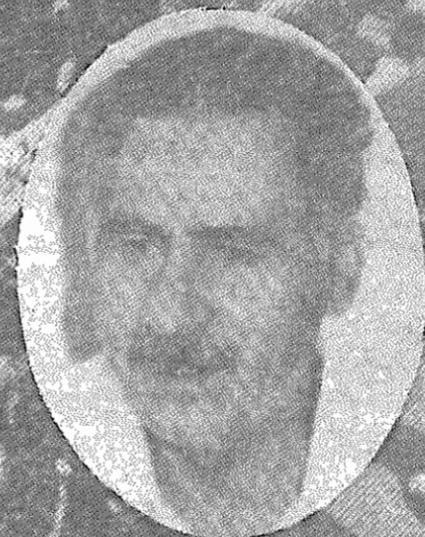
آزاد

ماهیانه

شعبه انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی
از اتحادیه سراسری دانشجویان ایرانی

Shanzdahome Azar
Monthly Bulletin Of Confederation
(National Union) Of Iranian Students

شماره ۱۶ آبان ۱۳۵۷
سومین ۱۳۵۸



سرنگونی فهری رژیم فتنه‌گر سلطنتی و مردم
به‌لوی تنها راه‌هایی حل‌دهای ایران

کاخهای ...

زحمتکن ایرانی خورده و بیوزهاش بخاک مالیده ...

شاه مزدور و مفتخوار هرزه دروا و قاتل ...

مردم ما بها خاسته اند ، شفق سرخسحر ...

آری مشت بر پوزه استبداد محکم خورده ...

فساد و تباهی و قتل و کشتار و ارتجاع و ...

این موج جدید مبارزاتی مبداء خود را در جمعه ...

میرا هم که در این مبارزه سیاسی میلیونی بر علیه ...

موج مبارزه سیاسی میلیونی بر علیه ...

توده مردم ایران در سطح میلیونی خود ...

ببای هم حرکت را آغاز کرد. از هر رده اجتماعی ...

پیروزی ...

سرخسختی و مقاومت را باید از رفیقگی ...

این مبارزین آزاده تنها گروه کوچکی ...

از دهها هزار فرزند زندانی مردم ما هستند که ...

و پای مبارزین میهن ما بسته شده است که باید ...

در بند همتاها هستند که سالها برای دفاع ...

مقاومت حماسه آفرین است . چنان نگرانان را ...

امروز فریاد مبارزه برای آزادی بدون ...

بقیه در صفحه ۶

کاخای ...
سیاسی بود که طیف وسیعی از خواسته‌های لیبرال تا انقلابی را در برمیگیرد. ولیکن یک نکته قابل توجه، و آن شرکت بخش وسیعی از کارگران معلمان، کارمندان و کارکنان رده‌های مختلف اقتصادی و خدماتی در امور سیاسی روز جامعه و در حد ترین شکل سیاسی خواسته‌ها و مطالبات میباشد. از آن جمله‌اند مبارزات سراسری کارگران نفت، ۱۵۰ هزار کارگر نساجی ایران، کارگران کارخانه ماشین سازی اراک، که در طی تظاهرات چند هزار نفره خود شعارهای آزادی زندانیان سیاسی، "برچیده شدن حکومت نظامی و... را میدادند، اعتصاب وسیع کارگزاران کارخانه ماشین سازی تبریز با خواست لغو حکومت نظامی، کارگران کارخانه کبریت سازی توکل، که کارخانه را برای مدتی اشغال کرده و خواهان برچیده شدن حکومت نظامی و سرنگونی رژیم بودند، از جمله نمونه‌های کوچکی از مبارزات سیاسی کارگری است که در گزارش مفصلتر اخبار همین شماره درج شده است. این گرایش آشکار و سیاسی، اگر چه به حد لازم خود نرسیده است، ولیکن گویای یک امر مهم و کلیدی است. طبقه کارگر تهران ایران وارد کارزار سیاسی بر علیه رژیم شده است و دقیقاً در پیشبرد همین کارزار است که آگاهی سیاسی خود را دوچندان نموده، و تاثیرات تعیین کننده خود را بر روی تمامی جامعه و مبارزات اقشار طبقات مختلف مردم گذارده و رژیم را با تمام جلال و جبروتش یک سکه سیاه کرده است.

جنبه تداوم و همه گیر بودن این مبارزات همسویی و پیوند با مبارزات دیگر اقشار مردم، خاصه جنبش دانشجویی و دانش آموزان و معلمان ایران، سیاسی و سیاسی تر شدن این مبارزات که در چهارچوب مسائل دموکراسی محدود میباشد، از مهمترین برجستگی های این مبارزات اخیر میباشد.

مبارزات روشنفکران، معلمان و دانشجویان مبارز و تهران ایران، از جمله برجسته ترین مبارزاتی است که در این دوره، بوقوع پیوسته است. دانشجویان و روشنفکران آگاه و انقلابی ما که همواره پرچمدار مبارزه خونین و قهر آمیز در سالبان دراز استید، دوارتجاج بودند که گردان و رزمندگان بسیاری در دامان خود میپروراندند، امروز نیز تیز ترین مبارزه سیاسی را بر علیه رژیم و امپریالیسم به پیش میبرند. سمت گیری آشکار و روشن آنان به سوی مبارزات زحمتکشان، هم صف شدن و یگانگی نمودن صفوف مبارزاتی خود با صفوف کارگران و بردن آگاهی سیاسی و افشگری در میان آنان از جمله خصوصیت های بارز، این قشر مبارز میهن‌مست گروههای مبارز دانشجویان غیور دانشگاهها،

ها، که امروز هزاران تن دانش آموز دبیرستانی و دبستانی را در زیر چتر مبارزاتی خود گرد آورده اند، شعارهای سیاسی روز را برپهنه جامعه میگردانند. با استفاده از ضعف و زبونی ارتجاع و به همت هوشیاری و درایت انقلابی این گروهها و خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی بود، که شعار آزادی بی قید و شرط کلبه زندانیان سیاسی در عرصه جامعه گسترده شد و مبارزات اقشار و طبقات گوناگون اجتماع را بگرد خود جمع نمود. آزادی کلبه زندانیان سیاسی، آن شعاری شد که در طی اواخر ماه مهر و اوائل آبان تیزترین مبارزه را بر علیه رژیم خائن شاه بگردد خود دامن زد. جامعه اعتصابی رده‌های مختلف اجتماعی، با پشتیبانی از این خواست و اضافه کردن آن به سایر مطالبات و خواسته‌های اقتصادی و سیاسی خود، چنان نیروی پر عظمتی را آفریدند که رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا را تا ب مقاومت نیاورد.

مبارزه برای چیدن حکومت نظامی، درد و زمینه سیاسی و عملی خود، از همان روز ۱۷ شهریور آغاز شد. حکومت نظامی نه تنها نتواند

نست سدی در مقابل گسترش مبارزات خود. ای گردید بلکه خود عاملی شد که مبارزات مردم هر چه وسیعتر، منظمتر و سیاسی تر گردد. حتی موعظه‌های لیبرالیتهای رفرمیست ملی و مذهبی نیز توانست کاری از پیش برد و بر این یورش انقلابی بوده بر کاخهای جور ستم مهار زند مبارزه بر علیه حکومت نظامی، این آخرین تیر تر کش قدرتی و اعمال زور بر علیه توده، هر روزه جنبه قهری تر گرفته و در آن گرایش محسوس نظامی شدن مبارزه مردم قابل توجه می باشد. زور را با زور جواب میدهند و این همان قانونی است که در عرصه پهنای جامعه ما به عمل روزمره گذارده شده است. تعداد زیادی از گروهها و مبارزین انقلابی به سوی مزدوران ارتشی حمله ور شده‌اند و اسلحه‌های آنان را مبادره کرده‌اند تعدادی انبارهای اسلحه بدستبرداری گروههای مبارز خالی شده است، در نقاطی از مرزهای ایران بسته های اسلحه و افزار جنگی وارد ایران میشود و در میان مردم پخش میشود. در برخی از دهات و مناطق روستایی که نسبت مبارزه مسلحانه قوی دارند هفتاد تا از زیرخاک اسلحه‌های خود را بیرون میکشند، برخی از جوانان دزفولی و خرم آباد، کازرون و جهرمی، خود را با سلاحهای گرم مجهز میکنند. و این روند گرچه عمومیت ندارد، ولیکن رو به تزاید و گسترش است. به ویژه از نقطه نظری سیاسی، مساله مبارزه مسلحانه توده‌ای به عنوان یگانگی راه رهایی خلق از یوغ ارتجاع و امپریالیسم، جای خود را هر روزه به مقیاس وسیعتری در افکار توده مردم باز میکند. در جهرم، گروههای مسلح هستند که از صف تظاهرات توده‌ای مردم محافظت مینمایند، در دزفول گروه مسلحی از سخنران انقلابی حمایت مینماید تا توده مردم آگاهی انقلابی را دریابند. قتل نما بند رئیس شهربانی جهرم، تصادف خاکن هنگام بازگشت از مراسم "بزرگداشت" روز نجس ۴ آبان، مورد اصابت گلوله فرد مبارزی قرآنی میگردد و بدرک واصل میگردد. در آمل گروههای مسلح تشکیل شده، نبرد را به جنگلهای اطراف میکشاند. در بانه، مردم، مسلحانه صدتی شهر را در دست خود میگیرند. در همدان درگیری مسلحانه روی میدهد و در ...

در حالیکه نهضت مردم ما روزمره اوج میگیرد و عرصه‌های جدیدی را اشغال میکند، گمانه‌ها از کمبودهای متعددی رنج میبرد، کمبودها نیکه پیروزی انقلاب ایران منوط به غلبه بر آنهاست. پیروزی مردم زمانی امکان پذیر است که اتحاد بزرگ مردم ایران جامعه عمل بنیود و این اتحاد عمل نیست مگر آنکه همه بخشهای جنبش دموکراتیک و استقلال طلبانه مردم ایران دست به دست هم داده و بر مبنای یک منشور انقلابی به دژ پیوسته و شکاف برداشته ارتجاع و سلطه امپریالیسم حمله بکنند. آنچه که امروز می توان گفت بیش از هر عامل دیگری در مقابل این اتحاد بزرگ ایستاده اختلافاتی است که میان گروههای از مبارزین مسلمان و کمونیستها پدید آمده و در مبارزه مردم شکاف انداخته است. در دانشگاهها این اختلافات بصورت جدا بودن تظاهرات و تظاهرات های نیروهای چپ و مذهبی بروز کرده و در تظاهرات خیابانی به شکل برخورد های سختنا شایستی که از جانب پاره‌ای از نیروهای مذهبی سرزده ظهور کرده است. این اختلافات و شکافها که ضمناً سخت مورد علاقه رژیم شاه و امپریالیسم میباشد، باید هر چه زودتر به نفع اتحاد بزرگ تمام مردم ایران بر طرف شوند و نیروهای دموکراتیک نهضت ما یکی شوند و شعار پیروز باد اتحاد تمام نیروهای دموکراتیک خلق تحقق یابد. هر کسی که ذره‌ای به آزادی و استقلال ایران عزیز دل بسته باشد، میدانند که همسه مردم ایران در مبارزه علیه این رژیم خود فروخته منافع مشترک دارند و این منافع بالاتر از هر منفعت تنگ نظران دیگری است. نیروهای چپ بدستی و بحق دست اتحاد بسوی نیروهای مذهبی دراز کرده‌اند و بجاست که نیروهای مذهبی



هوشنگ ترگل

طبقه کارگر از بدو پیدایش خود تا بحال نمونه‌هایی درخشان از پیشروترین و انقلابی ترین افراد را از خود نشان انقلاب ایران گردانیده است. هوشنگ ترگل و اسکندر صادقی نژاد و صالح جهانی گرد و ... نمونه‌هایی از آن سرچشمه بیکران اند که طبقه کارگر قهرمان ایران در وجود خود دارد. یادشان جاوید، ترگل، در میان میلیونها زحمتکش این مرز و بوم چشم گشود و بواسطه فقر مادی بیشتر از عکس نداشت درس بخواند؛ سپس برای مرامعاش بکار پرداخت. او با تمام وجودش نابرابری ها ظلم و ستم و تعدی و تحقیر را لمس کرده بود و علیه آن قیام کرد. به تحقیقات و مطالعات علمی و اجتماعی خود افزود و در تکامل مبارزات خود عمر دانا و آگاه طبقه کارگر مبدل گردید. همچنین کوشید تا بهترین راه و نزدیک ترین راه نجات مردم را بیابد و یافت. او در بیدارگاه نظامی شاه گفت "من بعنوان دشمن آشتی ناپذیر علیه نظام غیر عادلانه و نادرست گام پیش نهاده‌ام و در مقابل هر گونه فشار را از دل و جان پذیرا می‌شوم ... من حقایق تلخ زندگی را برای اولین بار در بازداشت نخست با تمام وجود لمس کردم ... پس از مدتی برای بار دوم بازداشت شدم، در طول بازداشت یکساله ام اذعان میکنم که آخرهای مبارزه در وجودم به شعله‌های ملتهب و سوزان تبدیل شدند ... در آن سیاهسال دیدم که چگونه اطفال معصوم زندان را که مثلاً با دوچرخه تصادف نموده و یا باهم دعوا کرده بودند بجای اینکه به دارالتادیب بفرستند یا سبانه‌ها و افسران زندان آنها را به پولداران فاسد زندانی میفرخواستند. آری اطفال معصوم و بیگناه را میفرخواستند تا شرافت و حیثیتشان آلوده گردد." ترگل ایسان عمیق و راستین به توده مردم داشت و گفت "امروزه توده‌ها و خلقهای ایران در بند، از خواب غفلت بیدار شده‌اند و آگاهانه خوب را از بد و درست را از نادرست تشخیص میدهند و دیگر فریب نیرنگهای دشمن را نخواهند خورد و دشمنان سوکند خورده ی ایران و منافع ملی ایران باید بدانند که سیل خروشان قدرت معنوی و پیوندهای آرمانی مبارزین و همه مردم ایران با قدرتی بس عظیم و ویران کننده به پیش میروند و به لحظه‌های تعیین کننده یعنی ویرانی تمام کاخهای جبر زور نزد یک میگردد. آری افق شکوهمند فردای مردم ایران خود را آماده نوازش انوار زرین آزادی مینماید ... هیات خاکمه ایران باید بداند و آگاه باشد که خلق مبارز ایران در طول تاریخ وطنی مبارزات افتخار آمیز خود چگونه حکومتهای خود سر و مستبد را گوشمالی داده است. این مردم همان مردم اند که آغا محمدخانها، ناصرالدین شاهها، مظفرالدین شاهها، نادرها و هزاران گردن کلفت دیگر را گوشمالی داده، از صحنه هی بجای راندن این دست اتحاد، آنرا گرم بشارتند و هر کاری جز این پشت پا زدن به انقلاب است.



منیژه اشرفزاده کرمانی

منیژه اشرفزاده کرمانی از زنان دلاور و شهید جاودانه راه انقلاب ایران است اولین زنی است که پس از تحمل شکنجه‌های فراوان به دست دژخیمان شاه اعدام گردید. منیژه در دوران تحصیل به مسائل اجتماعی علاقمند شد و بصورت به شرایط و اوضاع جامعه حساس گردید. با مطالعه و تحقیقات اجتماعی خود کوشید تا علل نابساامانی ها و فقر و فلاکت و سیه روزی مردم را دریابد و بدین ترتیب به مبارزه ضد رژیم علیه نابرابری و ظلم ستم کشیده شد. منیژه بویژه در دوران دانشجویی شرکت فعالی در مبارزات داشت و تاثیر بسیاری در دیگران مینهاد. پس از دانشگاه، منیژه با اینکه ازدواج کرد و صاحب فرزندی بنام رضا شد، هرگز از مبارزه ضد رژیم خود دست نکشید و با تکامل مبارزات خود سرانجام عضویت سازمان مجاهدین خلق ایران در آمد، او دیگر انقلابی حرفه‌ای بود، که با خلق خود عهد بست تا در راه سرنگونی رژیم سلطنتی بخاطر منافع مردم لحظه‌ای آرام نگیرد. منیژه راه را یافته و میدانست که هرگز به آزادی و به استقلال و سعادت نائل نخواهند گردید، مگر اینکه دست تا را جگر امپریالیسم و نوکران بومی آنها را قطع گردانند. منیژه به انقلاب قهرآمیز و مسلحانه معتقد بود. میدانست که رژیم تا بدندان مسلح که باخوشنست و وحشیگری جواب هر اعتراض را میدهد. فقط با قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه میلیونها نفر از پای در خواهد آمد. بهمین خاطر نیز کوشید تا در سازمانی انقلابی بکار مبارزه خود ادامه دهد و توده مردم را برای اعمال قهر علیه رژیم متفکر کند. هنگامیکه دستگیر شد بخاطر آرمانهای والای خلق، و منافع رنجبران ایران شکنجه و وحشیگری های رژیم را تحمل کرد، استوار ماند، و سرانجام تیرباران گردید.

کارگر قهرمان، رهبر زحمتکشان، درود خلق ایران، برتوباد

بیروزی ...

ادامه داده است تلاش میوزرد . میلیونها نفر مردم ما یکمدا خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی هستند . تمام مبارزات چند هفته اخیر بکود چنین شعاری جریان یافته و ارتجاع خونخوار را بیزیر ضربات خود گرفته است . کارگران مبارز ایران در اعتصاب وسیع و سراسری چند هفته گذشته اعلام کردند که یکی از اساسی ترین خواستههایشان آزادی مبارزین در بند است . بیش از یک میلیون نفر از کارگران و کارمندان دولت چنین خواستی را در سر لوحه مبارزات خود قرار دادند . بیش از ۴۰۰ هزار تن از فرهنگیان ایران در مبارزه شان ، زندانیان سیاسی دلیر را از یاد نبردند و خواست آزادی آنان را به عنوان یکی از هدفهای اصلی خود اعلام نمودند . تمامی مبارزات دانشجویان و دانش آموزان به گرد این خواست حرکت در آمده و پیگیرانه ادامه یافته است .

بهمراه این مبارزات و در پیشاپیش آنان ، مبارزه خانواده های زندانیان سیاسی و نیز خود این دلیران در بند است که به عالیترین شکل پیوند عمیق و ناگسستنی آنان را با خلقهای ما و مبارزاتشان بیان میدارد . خانواده های دهها هزار زندانی سیاسی در ایران یکمدا اعلام نموده اند که خواستار آزادی تمامی این فرزندان قهرمان هستند و تا رسیدن به این هدف مقدس ، به مبارزه در این راه ادامه خواهند داد .

بستگان زندانیان سیاسی و شهدای انقلاب ایران از پیشاتازان مبارزه برای سرنگونی رژیم و آزادی زندانیان سیاسی بوده اند . برای نمونه میتوان از تظاهرات آشوبناک خانواده های زندانیان سیاسی و شهدا در سال گذشته و نیز تجمع و اعتراض هزاران تن از این مبارزین در مقابل دادگستری در تهران در چند روز پیش یاد کرد . اعلامیه ارزنده ای که از طرف این گروه مبارزین برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی اخیرا منتشر شده ، میتواند دوباره سرفروش همگان قرار گیرد .

زندانهای سیاسی نیز با مبارزات متحد و یکپارچه خود در راه تحقق خواسته های خلقهای قهرمان ایران تلاش کرده و با بیگار خویش اشبات کرده اند که همچنان آشتی ناپذیر و مقاوم مانده و خواهند ماند . این مبارزات متحد و یکپارچه بوده است که بیکر فرخوت رژیم را زیر ضربات خود قرار داده و توانسته است به آزاد ساختن گروهی از فرزندان خلق ناشل گردد . اعتصاب غذای نزدیک به یک ماهه سال گذشته زندانیان سیاسی که رژیم را به عقب نشینی وادار نمود ، در این میان نمونه و راست هم اکنون نیز زندانیان در بند کماکان در سیاه چالهای رژیم میروند . گزارشاتی از مبارزات این دلیران خلق در همین شماره درج شده است .

رژیم مرتجع و پوسیده ایران ، از همان ابتدا که فشار چنین حرکتی را بر دوش خود حس نمود و دید که پاری مقاومت در برابر توده مردم را ندارد ، تلاش کرد تا شاید در عین عقب نشینی و گردن نهادن به خواسته مردم توطئه نویسی بچیند و با طرحی جدید ضرباتی به جنبش و خلقهای ایران وارد سازد . رژیم شاه گوئید تا با تقسیم بندی و گروه سازی بین زندانیان و آزاد ساختن برخی و نگاهداشتن برخی دیگر ، تضادهای بین جریانهای مختلف سیاسی بوجود آورده و آنها را حاد نماید و از اینگونه تضادها به نفع خود بهره برداری کند . اینبار رژیم مرتجع پهلوی در ابتدا موزرانه اعلام کرد که بجز کمونیستها و " تروریستها " ، بقیه زندانیان سیاسی را آزاد خواهد کرد . قصد رژیم بدم کثیدن جریانهای مختلف لیبرال و تقویت جریانی ضد کمونیستی بود تا با تایید گرفتن از آنان در این زمینه بتواند هر چه بیشتر به قتل و کشتار انقلابیون ایران بپردازد .

دازد . اما توده مردم یکمدا اعلام کردند که خواست آنها آزادی تمامی زندانیان سیاسی است و تا زمانیکه هنوز یک نفر از این فرزندان راستین و مبارز ، از هر عقیده و مرامی که هست ، در زندان باقی بماند ، مبارزه خود را ادامه خواهند داد . رژیم که مذبحخانه برای ایجاد نفاق و تفرقه تلاش کرد و بدلیل آگاهی و هشیاری خلقهای ما با شکست روبرو شده بود ، مجبور به عقب نشینی و گردن نهادن به اراده مردم شد . بیش از ۱۱۰۰ تن از زندانیان سیاسی ایران ، از سیاهچالهای رژیم بیرون آمدند و دسیسه رژیم شاهرا که بر علیه مردم ما و جنبش انقلابی میهن ما مطرح شده بود ، عقیم نمودند . اکنون این خود زندانیان سیاسی میهن ما هستند که از جانب تمامی مردم این توطئه های رژیم را پاسخ میگویند . " ما ضمن تایید و اعتقاد کامل بر اینکه این آزادی را تنها در نتیجه مبارزات و جانفشانیهای مردم مبارز ایران به دست آورده ایم ، اقدام به آزادی معدودی از زندانیان سیاسی را محکوم میکنیم و اعلام می- داریم که باید همه زندانیان سیاسی بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند . " (از بیانیه زندانیان سیاسی آزاد شده) تعداد زیادی از زندانیان سیاسی قزل حصار ، که به مناسبت روز ۴ آبان قرار بود آزاد گردند ، اعلام نمودند که در این روز از زندان بیرون نخواهند آمد و نمیخواهند هیچشبهه ای در اذهان بوجود آید که گویا آزادیشان ناشی از " عفو ملوکانه " است . تعداد دیگری از زندانیان حاضر نشدند که سیاه چالهای رژیم را ترک کنند ، چرا که آنان اعتقاد راسخ داشتند که همه و یا هیچکس بیرون نمیرود . در دیگر زندانها ، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی کماکان ادامه دارد . رژیم خائن شاه چه از بیرون زندان و چه از داخل زندان بیزیر ضربات پیاپی قرار گرفته و مجال نفس تازه کردن نییابد . آخر او با انقلاب و انقلابیون پاکبخته ایران است که دست و پنجه نرم میکنند .

اما این تنها پاسخی نیست که به توطئه رژیم داده میشود . در زمانیکه چنین روحیه ای در مردم ما دیده میشود ، چنین فریادهای سر ایران بکوش میرسد و چه خونها که در همین چند روز اخیر برای تحقق این خواسته مقدس خاک ایران را سرخ نموده ، چه تاسف آور است که ندهائی در نا سازگاری با این خواست قلبی مردم شنیده میشود و در وحدت عظیم توده مردم ما که توانسته است پشت ارتجاع محمد رضا شاهی و اربابان یانکی اش را خم کند ، خلل وارد میسازد . کسانی که شعار " آزادی زندانیان سیاسی مملتان " را در مقابل آزادی کلیه زندانیان سیاسی و به عنوان آلترناتیو مطرح کرده اند ، هم به خواست قلیونها توده مردم بی اعتنائی نموده اند و هم بزرگترین بیعدالتی را در حق زندانیان سیاسی میهن روا داشته اند . بدام فریب و توطئه رژیمستی افتاده اند که تا زمانیکه دستش میرسد است و هر زمانی هم که دستش برسد ، خون هزاران مبارز ، چه مملتان و چه کمونیست و چه با هنر مسلک و مرام دیگر را بر خاک ایران جاری ساخته است و خواهد ساخت . مبارزین در بند ایران کسانی که خود سالها ضربات تازیانه جلادان رژیم را بر بدن خود احساس کرده اند ، خوب میدانند که دشمن چه نیرنگها و حیلہ کریها را که به کار نمیگیرد تا در وحدت و یکپارچگی مردم ما خلل وارد سازد و هر بخش را در گوشه ای بیزیر آتش بگیرد . این شیر دلان در بند ، در مبارزه ای خونین بر علیه جلادان رژیم و در زمانی که هر یک به تنهایی بار پیشبرد مبارزه و حفظ شرافت و ایمان خلق را به عهده داشتند ، ضرورت وحدت را یافتند ، آنها را با خون خود آبیاری کردند ، تحکیم نمودند و در پیامشان به مردم ما بر آن تاکید نهادند . و این پیام

باید بارها خوانده شود ، تکرار گردد و در مقابل آنان که به عوض تحکیم این وحدت ، در جهت تضعیف آن تلاش میوزند ، نهاده شود تا شاید بخود آیند و حقیقت این مبارزه را دریابند . اما تا آن زمان ، خلق قهرمان ما ، خود به دستان توانای خویش ، این وحدت را در هر سنگر میکارند ، در مبارزه و با خون آبیاری میکنند و در هر پیروزی ، نظیر آنچه اینروزها شاهدان هستیم ، میوه اش را میگیرند و حاصلش را وثیقه پیروزیهای بزرگتر آینده میکنند . و این حق خلق دلاوری است که تاکنون ، کم از بابت پراکندگی خود و نیروهای انقلابی ، خون ندادند و لطمه نخورده است .

هر آنکس که امروزه ، در راه تحکیم این وحدت حرکت نکند ، چه رسد به آنکه در راه تضعیف آن گام بردارد ، علیرغم آنکه هر سر خدمتی به مردم ما و جنبش نموده باشد ، در این زمینه مشخص مورد تایید خلق دلاور مانیت و نباید هم باشد . مردم ما ، از تمامی نظرات و گروههای سیاسی که بمبارزه انقلابی علیه رژیم شاه مشغولند ، میطلبند که پیگیرانه برای تحقق امر وحدت بزرگ خلقهای کبیر ایران که ضامن پیروزی آینده انقلاب خواهد بود تلاش ورزند . و از اساسی ترین خواسته های این حرکت متحد همانا مبارزه ای یکپارچه برای آزاد ساختن تمام زندانیان سیاسی است و نقض این اصل جز به معنی نقض وحدت خلقهای ما نیست و لاجرم در مقابل خواست مردم میباشد .

مبارزه عظیمیکه امروزه سراسر میهن ما را به جوش و خروش در آورده و بنیان رژیم محمد رضا شاه را لرزاند ، تا بدان حد قدرت دارد که توان آزاد نمودن انقلابیونی که طی سالها تجربه ، آشتی ناپذیری خود را بسا رژیم شاه نشان داده و در زمره بزرگترین دشمنان ارتجاع ایران و امپریالیسم شناخته شده اند ، را یافته است . تلاش مقدس مردم ایران که به آزادی گروهی از انقلابیون در بند انجام میدهد است باید که قلب ارتجاع و بنیاد حکومت را هدف گیرد و با پیگیری و در مبارزه مسلحانه توده های ، حکومت جلادان و قسزاقان وابسته به امپریالیسم را سرنگون ساخته و تا خواستهای دموکراتیک مردم را با استقرار جمهوری دموکراتیک خلق برآورده سازد . از جمله این خواستها ، آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی ایران است که باید با نیروی خلق و در هم کوفتن دیوار دخمه های محمد رضا شاهی و نابود ساختن عاملان این جنایتها به دست آید . امروز باید که هر چه بیشتر برای این خواست با فشاری کرده و برای تحقق آن کوشید .

رژیم فرخوت پوسیده شاه ، هرمان از نیرو و قدرت خلقهای مبارز و بیباخته ما ، مجبور به عقب نشینی شده است . ضربات وارده به پیکر رژیم ، توان مقابله اش را کم کرده و هر چه بیشتر وادار به عقب نشینی میگردد . در عین حال باید آگاه بود و دانست که این عقب نشینی به معنای تغییر ماهیت و یا " لیبرال " شدن رژیم نیست . رژیم جلاد و جنایتکار شاه در عین عقب نشینی ، دست به کار توطئه چینی است و در فرصتی که مناسب تشخیص دهد ، به کشتار مردم خواهد پرداخت ، کما اینکه امروز هم با پلیس و ارتش خود در مقابل مردم ایستاده است . مردم ما باید هوشیارانه تمامی این حرکتهای مکارانه رژیم را تشخیص داده و به دقت مراقب آنها باشند ، بر دشمن را هرکجا که میتوانند بکوبند ، و بدون وقفه برای سرنگونی نیش بکشند .

امروز مردم ما پیروزی بزرگ دیگری را گرامی میدارند . پیروزی بزرگی که نه آسان به دست آمده است و نه ارزان . آسان نبوده چرا که سالها نیرو و توان صدها هزار انسان که یک بیک ، برچم پرافتخار نبرد را به پیش بردند ، اند ، قدم بقدم راه سخت مبارزه را هموار ساخته و با دشواری هر چه تمامتر ، در زیر

ضربات مداوم جلادان رژیم به پیش رفته اند ، مصروف آن شده است . ارزان نبوده چرا که خلقهای قهرمان ما از جان و گوشت و پوست خود برای این دستاورد ها مایه گذاشته اند ، هزاران و هزاران فرزند انقلابی خود را فدا کرده اند تا به این پیروزیها برسند . خون دهها هزار نفر از مردم ما وثیقه این پیروزیها بوده است که در دورانهای گذشته و افش جنبش میانی زده کردند و با خون خود نهال رزمی که سالها گاشته شده را آبیاری نمودند تا امروز به درختی تنومند بدل گردد و به میوه بنشیند . در اینجا باید که بخصوص یاد زندانیان سیاسی دلیری که در زندانهای رژیم شاه و در زیر شکنجه های مزدوران شاه به شهادت رسیدند ، را گرامی داشت . خلقهای ما هرگز نام رفقا شای هم چون بیژن جزئی ، آیت الله سعیدی ، مهدی رضائی ، بهروز دهقانی ، صدیقه رضائی ، آیت الله غفاری و ... که چون کوه ایستادند و شکنجه های درخیمان را تحمل کردند و سرانجام جان باختند ، را فراموش نخواهند کرد . این فرزندان دلیر ایران ، استوارانه در زندانهای رژیم ایستادگی کردند و علیرغم هر نوع شکنجه که بر ایشان روا شد ، کلمه ای نگفتند و به سنت پر ارج انقلابیونی چون ارانی کبیر ، وارطاب کوچک ثوثری ، خسرو روزبه و ... که پیش از آنان باین راه رفته بودند ، وفادار ماندند . خلقهای ما هرگز سهم بزرگ این شهدا را در مبارزه خود فراموش نکرده و در قلب تاریخ ، جا بگاه شایسته ای برای شان ساخته اند . درود بی پایان ما بر فرزندان دلیر خلق که در زیر شکنجه ها جان باختند و جاودان گشتند . درود بی پایان ما به تمام شهدای کبیر خلق .

دیوار سیاهچالهای رژیم شاه ، که هر یک از آنها شاهد صحنه های غیر قابل وصفی از مقاومت و ایستادگی انقلابیون میهن ما بوده اند ، امروز در برابر توان توده مردم به لرزه در آمده و در شرف واژگونی است . رژیم سرکوبنده ای که مسبب تمامی این جنایتها بوده است ، به پایان عمر خود رسیده و دیگر قادر نیست آنگونه که ادعایش را داشت بر مردم ما حکومت کرده و آنان را زیر سلطه حقتان و فاشیسم خود نگاهدارد . مردم ایران بیباک خواهند و بنیان ارتجاع محمد رضا شاهی را نابود کرده دستها غارتگر و متجاوز امپریالیستها و بخصوص یا - تکبیر را از ایران قطع خواهند کرد . در آن روز است که پیمان خلقهای ما با فرزندان شهید خود با اجرا در آورده و آزادی برای تمام مردم زحمتکش ایران ، تامین خواهد شد و آنروز دیگر دور نیست .

درود بی پای نامی تمام زندانیان سیاسی جاودان به خاطر شهدای خلق

غنی بلوریان ...

به زندانهای گوناگون مدت محکوم میگردند . حکم اعدام در مورد این دورفیق بعلت نامساعد بودن اوضاع برای رژیم ، اجرا نمیشود . او از دژ برازجان که سالها در آنجا تبعید بوده است ، برایت حرف میزند : " آن هوای گرم و دم کرده طاقت فرسا ، آن دیوارهای بلند و قطور دژ که اگر سر بلند کنی فقط پهنه کوچکی از آسمان بیکران را می توانی ببینی ، بپرکجا چشم بیندازی جز دیوار بد ترکیب دژ . چیزی بچشم نمیخورد ، حیاطی گویک با چند تک درختی خرما ، راهرویی و چند بستوبی بنام اتاق ، همین بود و بس ! آنها میخواهند جسم و جان ترا درهم شکنند و بودند کسانی که درهم شکسته شدند . " وقتی کلامش بدینجا میرسد ، اگر بچهره اش خیره شوی ، از آنهمه شوخ طبعی در آن اشرفی نخواهی یافت ، از دو چشمش شعله میبارد . آری ، دشمن غدار فقط به شکنجه بدنی اکتفا نمیکند ، او بشکنجه روانی دراز مدت ، اهمیت زیادی میدهد :

بقیه در صفحه ۴

زنده باد دلاوری خلق !

اخبار...

اهواز - ۸۷۰۰ نفر از کارگران کنت و صنعت اهواز به اعتصاب غذا دست میزنند. این اعتصاب غذا در پشتیبانی از اعتصاب غذای نمایندگان کارگران صورت میگیرد. کارگران بدنبال اعتصاب یکماهه خود، بخاطر آنکه خواسته‌هایشان برآورده نمی‌شود، به این شیوه به مبارزه خود ادامه میدهند. آبادان - بدنبال اعتصاب مدها تن کارگران قسمت دریایی شرکت خدمات خاص نفت (جزیره خارک) که کارشان راهنمایی کشتیهای نفتکش اقیانوس پیماست، دولت مرتجع شاه از ترس قطع شدن جریان نفت به کارتل‌های امپریالیستی، اقدام به آوردن تعدادی کارگر خارجی از شیخ‌نشینهای خلیج فارس و بحرین مینماید. کارگران اعتصابی با هواپیما به آبادان منتقل میگرددند و هنوز به اعتصاب خود ادامه میدهند.

در پی اعتصابی که از طرف کارگران شرکت‌های سدک - سد ایران وابسته به شرکت " ملی " نفت ایران گروهی از کارگران این شرکت بوسیله کارشناسان آمریکایی این شرکت اخراج میشوند. کارگران در نامه‌های اعتراضی خود به مقامات دولتی ذکر میکنند که این عمل کارکنان خارجی توهین به قومیت و ملیت ایرانی میباشد.



صحنه‌یی از اعتراض و اعتصاب دبیران مبارز مراغه - ۲۶ مهر.

کارگران شرکت سپاکو در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به اعتصاب زدند از جمله خواسته‌های کارگران اتحادیه کارگری مستقل از سازمان " کارگران " رژیم میباشد.

بهبهان - در اعتصاب ۱۵۰۰ نفره کارگران و تکنیسینهای شرکت ساختمانی جنرال مکانیک، بیمانتکار بالایشگاه لیشر، به علت عدم رسیدگی خواسته‌هایشان مهندس ملکوم و دستیارش بشدت زخمی شده و روانه بیمارستان شدند.

گرمان - سه هزار نفر از کارگران شرکت ملی صنایع سراسر ایران (مجمع صنایع سرچشمه)، از تاریخ ۲۴ آبان ماه، برای دومین بار دست به اعتصاب میزنند. این اعتصاب بخاطر عدم تحقق خواسته‌های کارگران صورت میگیرد. اکنون کل مجمع صنایع سرچشمه در محاصره سربازان مسلح رژیم شاه قرار گرفته است.

اهواز - هنر حویان و کارآموزان هنرستان صنعتی شرکت نفت بعنوان اعلام پشتیبانی از خواسته‌های فرهنگیان و اعلام همبستگی با کارکنان شرکت خاص خدمات نفت و شرکت نفت دست به اعتصاب زده‌اند. که خواسته‌هایشان از اینقرار است: " آزادی زندانیان سیاسی "، لغو حکومت نظامی، و برکناری رئیس هنرستان.

تهران - متجاوزان ۴۵۰۰ نفر از کارکنان انرژی اتمی تهران، پس از مدور یک بیانییه ۴ ماده‌ای از روز ۲ آبان دست از کار کشیدند و از جامعه فرهنگیان و دانشجویان در مبارزاتشان پشتیبانی نمودند. از خواسته‌های آنان " اخراج کارشناسان خارجی که هیچگاه در جهت مصالح و منافع ملی کار نکرده‌اند " میباشد.

خوزستان - صنایع نفت ایران بخاطر وسعت آن دارای بخشها، مجتمعها و ادارات گوناگونی است. اعتصاب در شرکت نفت ابتدا از یک نقطه آغاز و سپس به سایر بخشها شیوع مییابد. کارکنان سازمان تعاون مصرف شرکت نفت از اول مهرماه جاری با خواسته‌های مینفی، دست به اعتصاب میزنند و سپس کارگران و کارمندان بالایشگاه آبادان که در ۹ مهرماه آغاز شد بر دامنه اعتصاب میافزاید. در اواخر مهر و اوایل آبان، اعتصاب در نفت جنوب به اوج خود رسید. در روزهای اول آبان اعتصاب کارکنان در اهواز و کارگران و کارمندان در حوضه‌های گچساران و آغاچاری و دیگر نقاط نفت خیز و صنعتی خوزستان صورت میگیرد. اعتصاب کارگران و کارمندان اهواز نیز در حوالی روزهای آخر مهر با دست از کار کشیدن کارمندان شرکت سهامی خاص خدمات و بمنظور پشتیبانی از خواسته‌های فرهنگیان و دانشگامیان آغاز شد و اوایل آبان ماه صنعت نفت در اهواز را در بر

گرفت. کارمندان اداری شرکت ملی نفت نیز در همین زمان دست از کار میکشند. کارخانه لوله سازی شرکت نفت نیز در اهواز، با اعتصاب کارکنان این واحد صنعتی از کار میافتد.

کارگران و کارمندان نفت در روزهای اول آبان در همراهی با مبارزات مردم در رابطه با تحقق آزادی زندانیان سیاسی، با خواست آزادی تمامی زندانیان سیاسی و برجیده شدن حکومت نظامی به اعتصاب خود ادامه میدهند.

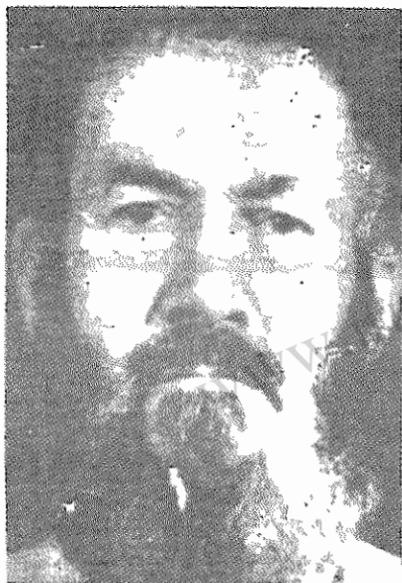
همچنین بنا به گفته لوس آنجلس تا ۲۸ اکتبر (۶ آبان)، کارکنان وزارت انرژی خواستار برکناری وزیر انرژی شده و خواست لغو قرارداد کنسرسیوم بین‌المللی نفت و شرکت نفت ایران را مطرح نموده‌اند.

بهبهر - کارگران ۴۰۰ شرکت وابسته بگروه صنعتی بهبهر، از جمله شرکت‌های صنایع بهبهر شامل روغن نباتی شاه پسند، روغن بهارلادن، پودر برف، مابونهای گلنار و عربی، روغنهای مکانیزه و کامپیوتر سیمان غرب، نظامی صنایع کاشان، صنایع ازاکه پخش یافته‌های ایران و... به اعتصاب خود که از ۱۹ مهر ماه آغاز کرده بودند ادامه میدهند.

زنگان - کامیونداران زنگان بتاريخ ۲۸ مهرماه وارد اعتصاب گردیده و خواهان رفع محدودیت آیت‌الله خمینی، آزادی همه زندانیان سیاسی، مجازات عاملین کشتارهای اخیر و برانداختن اظا قهای اصناف میگرددند.

تهران - بیش از ۴۷۰۰ تن از کارگران و کارمندان دخانیات برای بار دوم (در روزهای آخر مهر) به اعتصاب دست میزنند و خواستار بهبود شرایط اقتصادی، شرایط کار و آزادی انشغابات سندیکا‌های کارگری می‌گردند.

تهران - اعتصاب کارگران و کارکنان شرکت سیتروئن (که همچنان ادامه دارد)، پالایشگاه تهران، اعتصاب کارمندان بانک تهران برای بار دوم، کارمندان و کارکنان استادیو "آریا مهر"، ۶ هزار نفر از کارگران و کارکنان گروه صنعتی رنا (زامیاد - فرساز و رادیاتور سازی) که از ۲۱ مهر آغاز گردیده است. همچنین باید از اعتصابات کارکنان وزارت کار و امور اجتماعی (که ۲۴ خواسته طرح کرده‌اند) نام برد. سقیه در صفحه ۲۲

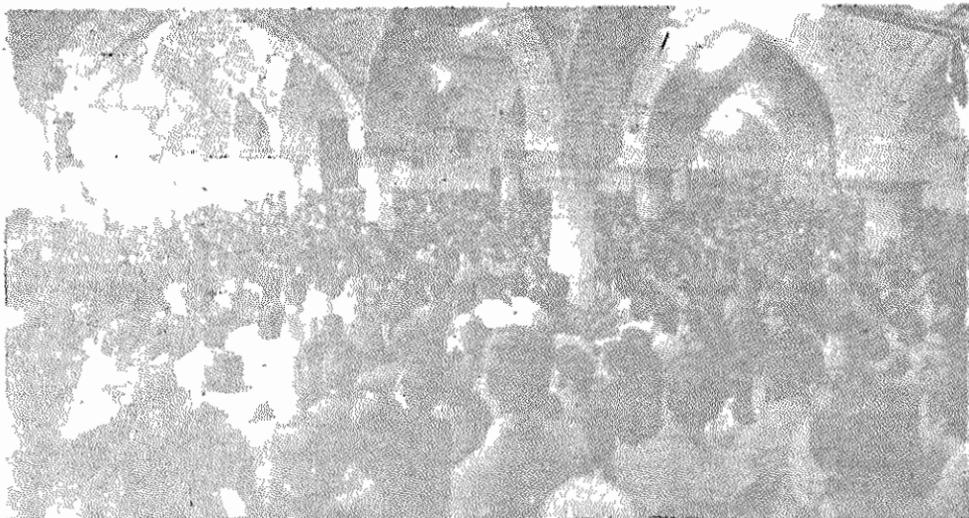


آیت‌الله غفاری

آیت‌الله حسین غفاری از روحانیون انقلابی و نجاح ایران بود که در زیر شکنجه‌های سربرمستانه رژیم شهید گردید. آیت‌الله غفاری همچون آیت‌الله سعیدی و مدها روحانی مبارز

دیگر راه مبارزه ضد رژیم را برای سعادت مردم برگزید و برای تحقق بخشیدن به آن از جان خویش دریغ نورزید. آیت‌الله غفاری اعتقاد داشت که مردم فقط زمانی میتوانند از امرضات و تبرابری و زندگی راحت بهره مند شوند که رژیم شاه را براندازند و خود در کنار دیگر انقلابیون ایران در این راه پیشگام گردید. در سال ۵۲ رژیم ددمنش شاه آیت‌الله غفاری را بخاطر اعتقادات قد رژیمش همراه با پسرش دستگیر نمود و مورد شدیدترین شکنجه‌ها قرار داد. با اینکه از عمر آیت‌الله غفاری حدود

۷۰ سال میگذشت ولی بیرحمانه‌ترین شکنجه را در مورد ایشان اعمال کردند. از جمله اینکه پاهای او را دردیگ سراز روغن داغ کاملاً سوختند. بدنش در اثر ضربات وارده کاملاً متلاشی گردید. لکن در اراده استوار ایشان هرگز خللی وارد نیامد و سرانجام نیز در زیر شکنجه و در راه سرنگونی رژیم جنایتکار شاه شهید گردید. قماش خون غفاری ها و سعیدی ها و مدها روحانی مبارز دیگر را که بدست دژخیمان شاه در کنار دیگر انقلابیون ایران برای آزادی و استقلال جان باختند، فقط با سرنگونی رژیم شاه و تاراج نیدن امپریالیستها از ایران میشود گرفت.



یادبود شهدای جمعه خونین در تبریز - ۲۴ مهر.

دست تارا جگر یانکی از ایران کوتاه!

اخبار... اکنون که پس از گذشت چند ماه و کشتار سحاب ارتش و پلیس مزدور، اثبات شده است که جنبش توده‌ها خاموش ندنی نیست، شاه قاتل دوساره عده‌ای از هم‌پایگان خود را جمع کرده و با صلح با ختن آنان، سعی در به‌خون کشیدن مردم ما را دارد. بموجب برخی اخبار دیگر رژیم در پی مشکل با ختن برخی عناصر عقبمانده و مرتجع از درون عثایر است تا بعنوان گروه ضربت خود، آنان را بجان مردم بیندازد. این تلاشهای مذبحخانه، همه نشانده ضعف و درماندگی رژیم پوسیده‌ای است که مرگ حتمی‌اش آنچنان نزدیک شده که بهر کاری دست میزند تا خود را نجات دهد. اما مردم آگاه ما آگاهتر و مصمم‌تر از آن هستند که اینگونه توطئه‌ها بتوانند سزاه مبارزه‌شان را بگرداند. در عین حال باید که با تبلیغات پوچ و مرتعانه رژیم مبنی بر اینکه اینان زانگه نشین هستند و سعی او در وانمود کردن این ساءله که در بین مردم ما کسانی هم به پشتیبانی از رژیم برمی‌خیزند، مبارزه نمود. امروز هیچ یک از مردم سپهن پرست و ثراقتمند ایران به ارتجاع حاکم دست‌همکاری نداده و نخواهند داد. این گونه افرادی هم که به چنان رژیم بر علیه مردم بدل شده‌اند، جز مثنی ناچیز عناصر منحرف و مرتجع نبوده و در زیر چرخ حرکت جنبش‌ها بود خواهند شد. کلیه مردم ایران خواهان نابودی و سرنگونی رژیم شاه هستند و تا رسیدن به این هدف براه پراستخار خود ادامه خواهند داد.

گزارشی از مبارزات...

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی، بد وسیله همبستگی عمیق خود را با مبارزات جنبش دانشجویی داخل کشور و همچنین مبارزات قهرآمیز طبقه کارگر قهرمان ایران و کلیه زحمتکشان اعلام می‌داریم. اگر چه ما از میدان اصلی مبارزه بدوریم ولی هرگز از پای نایستاده و هرگز آنکه هستیم به مبارزات خود ادامه می‌دهیم و صدای حق طلبانه خلق قهرمان و دلیر ایران را به جهان بیان رسانده می‌رسانیم. همچنین شعری از طرف بخش دیگری از جنبش دانشجویی خارجیه ایراد میگردد. پیامی از طرف کارگران انقلابی کارخانه ایران پارس نو ایراد گشت که بخشی از آن بدینقرار بود "همبستگی خود را با کارگران، دهقانان، دانشجویان و تمام قشرهای آزادیخواه ایران در راه مبارزه رهایی بخش و در زیر پرچم پیش‌آهنگ کارگر و حزب سیاسی واحد، واحد طبقه کارگر، اعلام می‌داریم". خیری از همدان بوسیله یک رفیق داده میشود که بدینقرار بود "دیروز ظهر (یعنی دوشنبه) و دیشب ساعت ۷ بعد از ظهر، مردم همدان بعد از مدت‌ها مشت خود را بالا برده و بالاخره بر بیکر دژخیمان شاه فرود می‌آوردند و یکپارچه و متحد شده و بر ما مورین ساواک و شهرپایانی حمله برده و آنها را مجبور به عقب نشینی کردند و از ارتش خواستند که مداخله نکنند آنان نیز به پادگان برگشتند. شهر در دست مردم افتاده، کلیه ادارات دولتی و بانکها را ویران کردند. به خانه سروان مزدور پیشرف‌ها شمی که به شهید مبارز مهین اردکانی تجاوز کرده بود حمله نموده، ولی وی با تفاق خانوادهاش از شهر فرار کرده بود. در این حمله یک افسر بنام سروان نسیمی و رئیس ساواک همدان را با چاقو و میله آهنی مضروب نمودند که آنرا رئیس ساواک را به لندن فرستادند. این خسر با کف زدن حضار و شعار اتحاد میهن‌دوستانه پیروزی همراه میشود. در ادامه خسر کشته شدگان حدود ۱۵۰ نفرند و بیمارستانها پر از زخمی است. عده‌ای که نیز برای دادن خون به بیمارستانها آمده بودند، توسط رگبار مسلسل ساواک کشته شدند. شهردار، نمایان جسد را

شبانه با بولدزر دفن‌نموده بود. یکی از دکتر های دانشگاه بوعلی که برای کمک به مجروح شدگان رفته بود، توسط عمال ساواک کشته شد. بدنبال این خبر شعارهای "پیروز باد ملت، بر شاه ننگ و نفرت" و "شاه سگ زنجیری آمریکا بیاری توده‌ها، شاه تورا میکشیم" طنین انداز میگردد. در طی این تجمع مبارزاتی اعلامیه‌ها و نشریات سازمانها و گروههای انقلابی، دانشجویان مبارز و محصلین و معلمان و کارگران بخش گردید. که چند نمونه از آنها را در این شماره چاپ شده است. از آنجا که امکان انتشار گزارش کامل این روز بزرگ در این شماره ۱۶ آذر نیست بدینجمله نکته وار برخی اخبار و بیامیهای قرائت شده در این مراسم می‌پردازیم. سخنرانی یک دانشجوی دانشکده طبیبانی که بخاطر دیدن فجایع رژیم خونخوار شاه از همکاری با رژیم دست‌شسته بود. فاجعه بدین نحو بوده که "واقعیتی را دیدیم که واقعا متأسف شدم بعد از نیمه شب در گارد دانشگاه نگهبانی میدادم. دیدم که یک ماشین ارتش وارد محوطه شد و نزدیک کارگاه ۳۰ جسد که در کیسه پلاستیک پیچیده شده بودند در چاه ریخته و در این ماجرا یک سرنهنگ و دو افسر شرکت داشتند". اعتصاب غذای ۸۰۰ نفر در انستیتو امور هنری هنوز ادامه دارد. نام دبیرستان شاهپور با ضربت مبارزه معلمان و محصلین به دبیرستان ابودر تنبیر

تفرقه جدایی، صدای شاه خائن، "کارگر قهرمان رهبر زحمتکشان درود خلق ایران بر تو باد" "مرگ بر این دیکتاتور بیوطن" "زنده و جاوید باد راه شهیدان خلق"، "مردم و نابود باد سلسله پهلوی" "جلاد خون میریزد ای جلاد مرگت باد"، "بگو (مرگ بر شاه)" "زحمتکش، محصل، دانشجو متحدند"، "شان ممکن آزادی، حکومت مردمی"، "درود بر خمینی مبارز"، "یاران ما زندانند، زندانبانان جلادند، ای جلاد مرگت یاد". تکنیسین‌ها و کارگران نیروگاه اهواز ۱۵ روز است در اعتصاب هستند. پیامی از طرف یک زندانی سیاسی آزاد شده بدین مضمون "دروپه خلق، خواه‌هران و برادران، ما آزادی خود را شمره مبارزات پیگیر و همبسته مردم قهرمان ایران میدانیم ما اعلام میداریم که زندانیان سیاسی به آزادی فردی نمی‌اندیشند. زیرا که آزادی خود را در آزادی تمام مردم می‌بینند. مردم مبارز ایران، ما هنوز در آغاز کاریم و وعده‌های دروغین رژیم کسی را فریب نخواهد داد. ما فشرده‌گی صفوف خلق را آرزو مندیم. بیاد همه شهیدانی که در میدان تیر جانباختند، یک دقیقه سکوت اعلام میکنیم". معلمان ناحیه ۷ تهران، نازی آسباد در نالن پیشاهنگی اجتماع کرده و تا آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکومت نظامی مبارزه خود را ادامه خواهند داد.



صحنه‌یی از تظاهرات دانشجویان دانشگاه.

یافته و محصلین دست به اعتصاب می‌زنند. خیری پیرامون مبارزه مسلحانه مردم خرم آباد داده میشود. مجسمه شاه خائن در پارک خزانه به آب انداخته شده است. کارگران شرکت نفت در جزیره خارک شیر-های نفت را ۱۴ ساعت می‌بندند و ۲۵ هزار بشکه نفت به صهیونیستهای اسرائیلی ضرر میرسانند. برخی از شعارهای مطرحه در روز سه شنبه "دولت سرما به دار، دشمن نوع بشر"، "درود بر بزرگ رهبری کارگر، متحد کارگر"، "ز دست نیروی خلق شاه هراسان شده"، "زندانی سیاسی درود خلق ایران بر تو باد"، "کارگر، کارگر پرچم سرخ تو، پرچم رزم تو"، "از جان خود گذشتیم، با خون نوشتم پیام آزادی"، "بیاری کارگران به همت رفیقان شاه سرا میکشیم"، "استثمار نابود باد زحمتکش پیروز باد"، "ما ملت آزادم ما شاه نمیخواهیم" سندیکا تشکیل میدهند که رفته رفته سیاسی تر شده و اکنون خواستار لغو حکومت نظامی، و آزادی زندانیان سیاسی و اخراج کارشناسان خارجی شده‌اند. پیام دانشجویان دانشکده پزشکی جندی شاپور. پیام وکلای دادگستری، که از مبارزات پرشکوه رزمندگان خلق دفاع کرده و تا آخرین لحظه برای رهایی میهن تلاش خواهند کرد. پیامی از طرف یک مبارز کرد در اعلام همبستگی خلق کرد با مبارزه سایر خلقهای ایران در این تجمع بزرگ نشریات زیادی در معرض همگان قرار داشت که از جمله میتوان از کتب زیر نام برد: مانیفست حزب کمونیست، منتخب آثار لنین جلد اول بخش دو، ماتریالیسم تاریخی، چکو-نه فولاد آبدیده شد، سوبالیسم و مذهب، آوا-نتوریسم انقلابی، درسهای قیام مکتوو چه باید کرد؟

استقرار جمهوری دمکراتیک خلق یگانه ضامن آزادی و استقلال ایران است!



تظاهرات پرشکوه ۶۰/۰۰۰ نفری مردم زنجان در تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۵۷

اعلامیه های منتشرشده در ایران

اتحاد - مبارزه - پیروزی

رفقا در این شرایط که همه خلقهای ما بخاطر رسیدن به یک جامعه انسانی به رهبری طبقه کارگر در تلاشند، ما، طبقه کارگر در شرایط مبارزه صنفی و یا صنفی سیاسی بسر میبریم و چون شناخت تئوریک ما امکان رشد نداشته بدین جهت از رفقای دانشجوی بعنوان یک وظیفه میخواستیم که بهر وسیله با ما کارگران تماس بگیرند و از اوضاع ما با خبر شوند و ما را در تصمیم گیری مبارزاتی یاری دهند. ما از رفقای دانشجوی خواستاریم که در بالا بردن سطح آگاهی ما پاریمان دهند و با شرکت و تماشای منطقی هرچه بیشتر و موضع گیری هرچه صحیحتر در مقابل سرمایه داران و در رأس آن شاه انگل و امپریالیسم آمریکا ما را یاری دهید.

رفقا برای آگاهی شما از شرایط خودمان در جریان یک اعتصاب اشاره میکنیم:

بدنبال اعتصابات سایر کارخانهها، حرفهایی در باره خواستهای آنها بینمان زده میشد که در کنار آنها خواستهای خودمان مطرح بود و بدنبال آن دوستان بطور منفرد خواستهای تهیه و به سختی فرمایمان دادند. مهلت برای جواب تعیین شد و ما همگی منتظر مهلت بودن. ظهر دوشنبه شد و مهلت تمام، نماینده شروع به دروغ گفتن به ما کرد و از طرف کارگران هوس

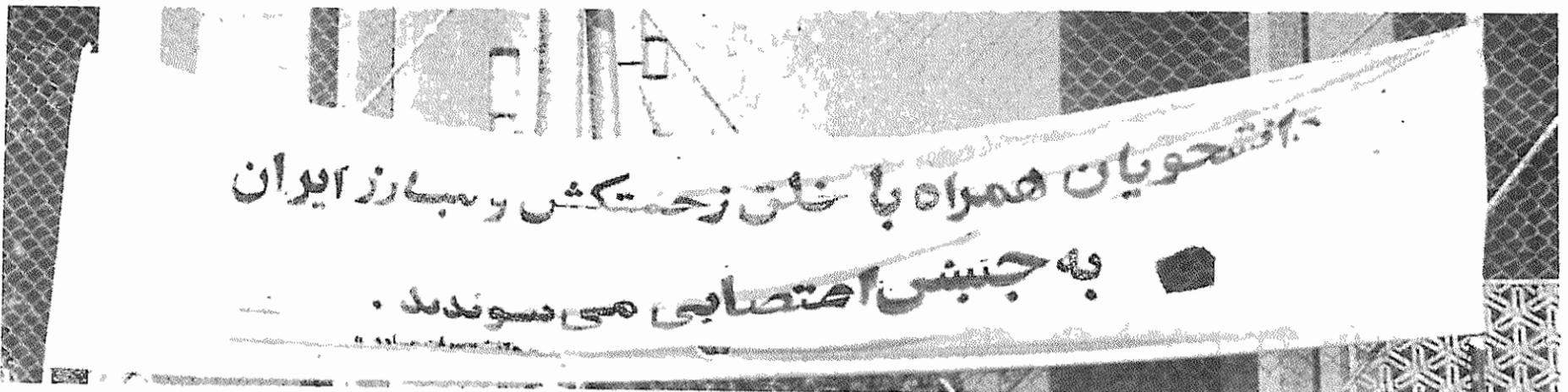
اعتصاب شروع شد و به علت جو ناآرام از طرف دوستان مرد به رفقای زن بی احترامی شمسید و انتظامات از هراس تجمع ما جمعیت را پراکنده کردند و هرکس را به قسمت خود فرستادند، روز چهارم خواستار مهلت شدند ما موافقت نمودیم و به سر کار رفتیم. اگرچنانکه رهبری درستگی میبود اعتصاب تا رسیدن به خواستهای برحقمان باید ادامه میداشت. بعد از مهلت تمام نشده هیچیک از خواستههایمان را قبول نکردند و ما دوباره به اعتصاب ادامه دادیم و چون رهبری در کار نبود اعتصاب همزمان شروع شد و قسمتهای مختلف با اختلاف زمانی چند ساعت دست از کار کشیدند.

اعتصابات ادامه دارد، اگرچه ناراحتیهای در شکل آنها وجود دارد، و همچنین توله های کارفرمایان به راه مبارزه ما، و اما خوشبختانه منافع مشترک ما باعث وحدت عمل در بین ما شده است.

ما منتظر همکاری ایدئولوژیکی شما هستیم.

برقرار باد پیوند کارگر - دهقان - دانشجوی - محصل

بقعه در صفحه ۱۱





دانش آموزان تهران در صف مقدم مردم میهن ما بمبارزه مشغولند.

اخبار...

از مذاکره تصمیم به اعتصاب سرتاسری گرفته شد و آسرا سراسر کشور ابلاغ مینمایند. برخی خواستهای نمایندگان معلمین عبارت بودند از: آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی، لغو حکومت نظامی، آزادی احزاب و کانونهای واقعی معلمان. در زیر بشرح مختصر تعدادی از مبارزات میپردازیم.

■ کرمان - از تاریخ ۲۴ مهرماه معلمین و دبیران مدارس ابتدایی، راهنمایی، دبیرستانها، هنرستانها و دانشسراهای کرمان در اعتراض به کشتار نیروهای دولتی در مسجد جامع کرمان و خیانتهای دیگر رژیم خونخوار محمد رضا شاه، دست به اعتصاب میزنند. و خواهان تعقیب مسببین این جنایت رژیم میگرددند. از دیگر خواستههایشان میتوان از: برچیده شدن کاخهای جوانان و انحلال زمان حفاظت آموزش و پرورش نام برد.

■ ماهشهر - فرهنگیان این شهر طی اعلامیه ای بتاريخ ۲۴ مهرماه از مبارزات مردم ایران پشتیبانی کرده و خواستههایشان را در مورد اعلام مینمایند. از جمله خواستههایشان میتوان از: تضمین منع تعقیب تبعید شدگان بخارج از کشور و بویژه آیت الله خمینی - دستگیری و محاکمه مسببین وقایع کشتارهای شهرهای ایران بخصوص ضایعه افناک سینما رکس آبادان، لغو حکومت نظامی، حذف برنامه های فریبنده بعنوان روز معلم و معلم نمونه

و عدم شرکت اجباری آنان در برنامه های نمازی و فرمایشی، مجازات کسانی که بتجربیه خیانت آنها ثابت شده است.

■ ناری - سه هزار نفر از زنان و مردان فرهنگی ناری بیک راه پیمایی طولانی در خیابانهای این شهر پرداختند. این راه پیمایی بدنبال اجتماع فرهنگیان در خانه معلم ناری صورت میگردد. از جمله خواستهای آنان میتوان لغو حکومت نظامی در سراسر کشور، آزادی قلم و مطبوعات، و آزادی دانش آموزان و معلمان زندانی را نام برد.

■ امل - فرهنگیان طی قطعنامه ای همبستگی خود را با مردم قهرمان ایران نشان داده و اعتصاب مینمایند. این قطعنامه ۱۶ ماده ای شامل مفاد زیر است:

"مجازات و محاکمه مسببین واقعه آمل بابل، تبریز، اصفهان، تهران، مشهد، یزد، جهرم، کرمانشاه، خرم آباد، کرمان، و دیگر نقاط ایران"، "لغو حکومت نظامی"، "آزادی زندانیان سیاسی"، "احترام به شخصیت والای امام خمینی و رفع محدودیت از معظ له"، "محاکمه مقاماتی که ظرف ۱۵ ساله گذشته، قانون اساسی مملکت را جهت چپاول بین المللی زیر پای گذاشته اند" و همچنین "تفرد فرهنگیان را نسبت به کشیدن فرهنگیان به مراسم فرمایشی محمدرفا شاهی".

از دیگر مبارزات معلمین، دبیران و فر-

هنگیان از اعتصابات و تظاهراتهای خرم آباد، آبادان، اصفهان، رشت، زنجان، بندر شاپور، قزوین، تبریز و مراغه و... میتوان نام برد. که خواست مشترک همگی این تظاهرات، آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکومت نظامی بوده است. درزاهدان کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سیستان و بلوچستان، و در تهران پژوهشگران فرهنگستان زبان ایران، با همان خواستهها دست به اعتصاب زدند.

طبق خبری که درکلیه ۲۵ مهر منتشر شده است، بار دیگر رژیم منقر و مزدور شاه دست به تشکیل دسته های مرتجع زده و جنبش دلاورانه مردم مارا مورد حمله قرار داده است. متن خبر از این قرار میباشد "بدنبال تعطیل همگانی و اجتماع مردم در مسجد جامع کرمان حدود ۲۰۰ نفر از ساکنین زاغه نشین که در کرمان به گولپها معروف هستند، یادداشت داشتن چوب و میله آهنی و تعدادی شعار در دست، از چند خیابان شهر عبور کردند و شعارهایی بنفع دولت میدادند. این عده به مسجد رسیدند، ابتدا دوچرخه ها و موتورهای مردمی را که داخل مسجد بودند، بروی هم انباشته به آتش کشیدند... عده ای از گولی ها که شعار میدادند، به پشت

بام مسجد جامع رفته و با کندن آجرهای پشت بام مسجد، جمعیت داخل مسجد را که قریب ده هزار نفر بودند، مورد حمله قرار دادند." چنانچه از خود متن خبر آشکار است رژیم شاه باز هم به تاکتیک همیشگی خود، یعنی متشکل کردن دسته های چاقو - کتله رزل پرداخته تا به ضرب و شتم مردم مبارز ما بپردازد. بخصوص شخص شاه در تشکیل اینگونه دارودسته از هم مسلکان خودش، دارای سوابق طولانی بوده و بازم کسانیکه یک عمر در خدمتش قرار داشتند از قبل جامعه میخوردند و سربار آن بودند، بمیدان آمده اند تا تاج و تخت شاهی را ستون حافظی باشند.

اصل و نسب این دسته چاقوکشها به شعبان جعفری - بی مخ - هم پیاله شاه و هم خانه های اشرف پهلوی میرسد که در روز ۲۸ مرداد در خیابانها برای افتادن و فریاد کریمه "جاوید شاه" را سر دادند و بسیاری از مردم مبارز ما را هدف جنایت و رذالت خود ساختند.

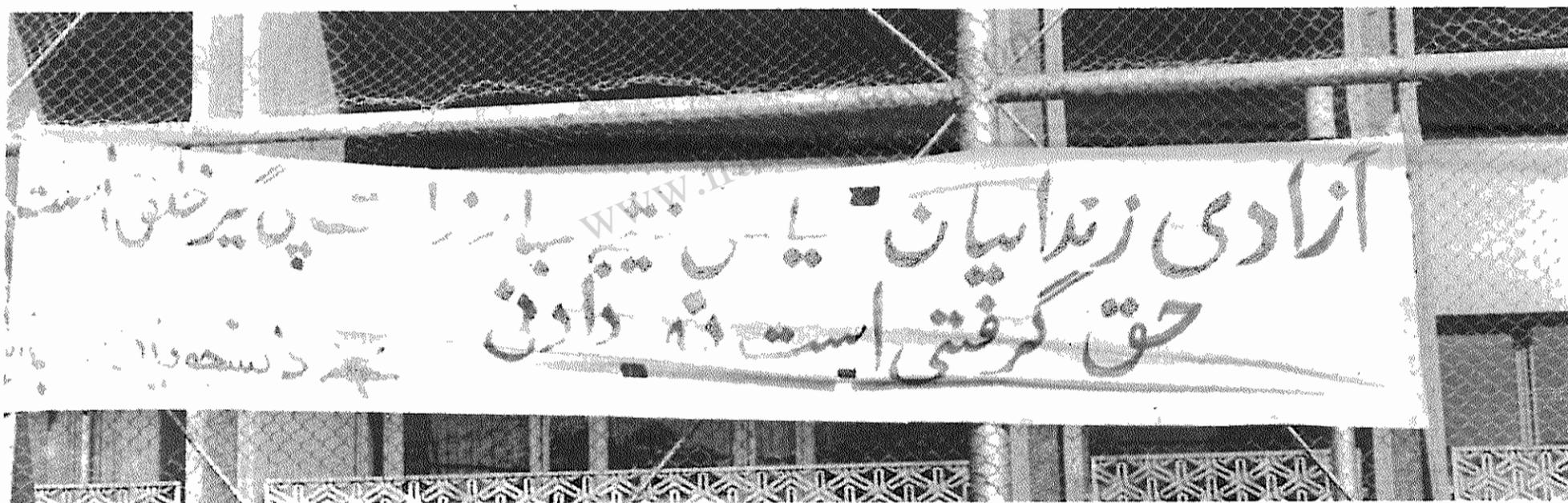
چند ماه پیش، و پس از اوج یابی جنبش و در زمانی که هنوز حزب "فراگیری" وجود داشت این دارودسته ها به نامهای "کمیته انتقام" و "امثال آنها از طرف چاقوکشهای کراوات زده" دربار تشکیل شدند، اما پشت قدرتمند توده آنچنان پرتوان بود که بیک ضربت تمامی اینها را بسه سوراخهایشان فراری داد و رژیم مجبور به مقابله با نیروی ارتش خود شد.

بقیه در صفحه ۸

دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران، این شاه آمریکایی، اعدام باید گردد



در روز ۳ آبان دانشگاه تهران یکپارچه شور و آتش مبارزاتی بود.



اعلامیه‌های ...

دانش‌آموزان مبارز

از هر سوی میهنمان خلق قهرمان بپا خاسته و چون سیلی خروشان به پیش می‌تازد. تله مزدور و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم آمریکا برای طولانی کردن عمر خود که چند روزی بیشتر از آن باقی نمانده است جواب‌خواسته‌های حق طلبانه مردم ما را با توپ و تانک و مسلسل می‌دهد و مردم بر پرچم سرخ انقلابمان نقشی تازه می‌بخشد.

در این میان برخی به اشتباه می‌پندارند که این موج به خروش درآمده‌دربی ماجراجویی یا قهرمان سازیند. اما نگاهی کوتاه به وضع طبقات و اقشار جامعه‌مان این موضوع را روشن می‌سازد که در شرایطی که کارگران ازستم اقتصادی اجتماعی بجان آمده و خواستار حقوق غارت‌شده‌شان هستند و دولت‌آئین نامه انضباطی تنظیم می‌کند که بی اختیار انسان را بیاد قوانین دوران برده‌داری می‌اندازد، در شرایطی که دهقانان میهنمان از اوضاع نا بسامان کشاورزی بتنگ آمده و راهی شهرها میشوند و در شهرها گرانی، تورم، بی مسکنی و بی خانمانی بیداد میکند، درثرا - یطی که دولت آمریکا و عروسکان دست‌نشانده‌اش به غارت منابع میهنمان می‌پردازد، از هر سو فریاد نا رضائی به هوا بلند است و هرکس خواهان تغییر وضع موجود است. در این زمانست که خلقمان از مبارزه دست‌نکشیده و آنرا در قالبهای مختلف شکل میدهد و از هرسو برای کسب حقوق غارت‌شده و خواسته‌های حق طلبانه مبارزه می‌پردازد.

اعتصاب‌شکلی از مبارزه است که پایه‌های یوسیده رژیم را بلرزه در می‌آورد، چرا که برای نابودی کامل رژیم دیکتاتوری و فدخلقی، شکل و نسج تمام نیروهای مترقی میهنمان لازمست و اعتصاب عامل موثری برای تحقق این وحدت و شکل است بقولی "اعتصاب مدرسه جنگ است". ما این اشتباه بزرگی است اگر بپنداریم با اعتصاب میتوان رژیم و وابستگانش را سرنگون کرد، چرا که سرنگونی این تبه‌کاران و سیه کرداران تنها با انقلاب قهرآمیز و جنگ مسلحانه خلق به وقوع خواهد پیوست. کاخهای ظلم بدست خلق و با مبارزه بی‌امان او بر سر کاخ نشینان ویران خواهد

شد و قدرت بدست زحمتکشان و رنجبران به رهبری طبقه کارگر خواهد افتاد.

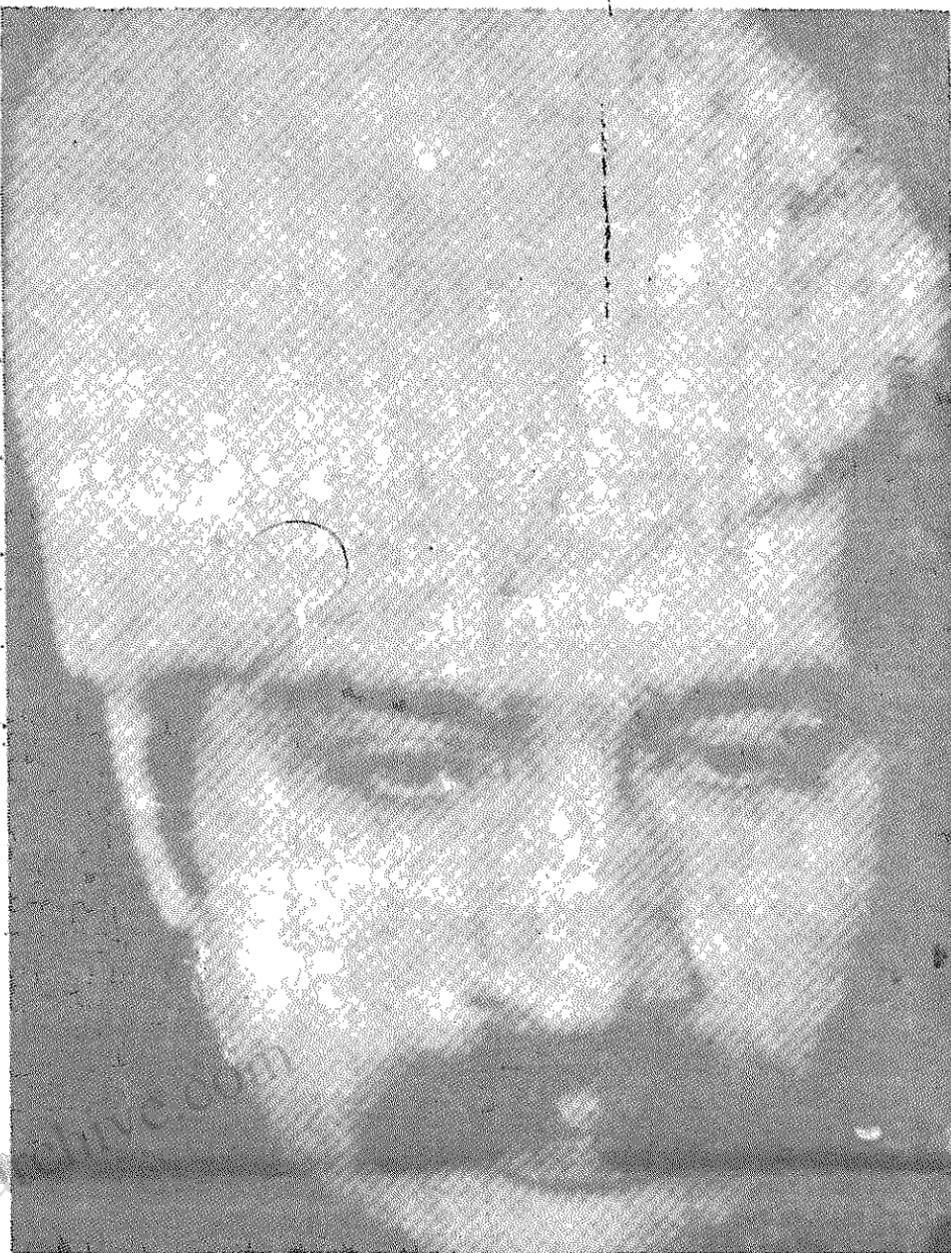
رژیم سفاک در طی دوران سنگین حکومت خویش چه بر سر این مرز و بوم که نیاورده است؟! گوشه‌ای از این اقدامات او را در آموزش نسل نوین میتوان دید. از آموزش و پرورش ماشینی ساخته بی پال و دم و اشکم و برای منحرف کردن آن به شیوه‌های مختلف متوسل شده است. از آنجمله است:

- الف - عدم جوابگویی سیستم آموزش کنونی با پیشرفتهای علوم و فنون دنیای معاصر و سوق دادن دانش‌آموزان بسوی گرفتن مدرک بدون توجه کافی به محتویات دروس فرموله شده.
- ب - برقراری سیستم تفتیش عقاید (انگیزاسیون) بسبک قرون وسطی که نتیجه مستقیم آن ممنوع التدریس کردن بسیاری از دبیران و آموزگاران پیشرو و اخراج یا ثبت‌نام با اخذ تعهد دانش‌آموزان آزادی خواه با قافه شیوه‌های گوناگون دیگر بوده است.
- ج - رشد و گسترش اداره حفاظت و گماشتن عمالش در بخشها و دبیرستانها تحت عناوین مدیر، دبیر، دفتردار و غیره.
- د - جلوگیری از ایجاد و توسعه فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان مثل کتابخانه، نمایشگاه کتاب، نمایشگاه عکس، انجمن فیلم و
- ه - کثاندن اجباری دانش‌آموزان به جشنها و خیمه شب‌بازیهایی فرمایشی و از پیش ساخته.

اما تمامی این اقدامات دست و پاهای عاجزانه یک‌دستگاه روبه زوال است که آخرین محنه نمایش برقراری حکومت نظامی بوده است و در این بیکار، دانش‌آموزان نیز همگام با سایر اقشار و طبقات مردم یک دم از پا نایستاده و علیرغم بشهادت رسیدن بسیاری از یارانمان و در بنسب کشیده شدن تعدادی از دبیران و دانش‌آموزان آزادیخواه، همچنان محکم و استوار همصدا با سایر نیروهای عترقی فریاد می‌زنند:

مرگ بر شاه، سگ زنجیری آمریکا

دانش‌آموزان پیشرو



ناصر کاخساز

رفیق ناصر کاخساز، انقلابی کبیر و یکی از برجسته ترین پایه گذاران جنبش نویسن انقلابی ایران میباشد. رفیق کاخساز به همراه پاک نژاد از پایه گذاران گروهی بود که بعداً نام گروه فلسطین بخود گرفتند. این گروه از درون مبارزات سالهای ۳۹-۴۲ و در مبارزه با جریانات رفرمیستی درون جنبش شکل گرفت و به فعالیت کمترده دست زد. از جمله فعالیتهای این رفقا، سازماندهی مبارزات دانشجویی در سالهای ۴۵ و ۴۶ و نیز تظاهرات عظیم در بزرگی - داشت شهادت تختی بود.

ناصر کاخساز در این دوران در عین فعالیت سیاسی و سازماندهی گروه، بکار بررسی تئوریک از اوضاع جنبش و تلاش جهت راهیابی و تدوین تئوریهای انقلاب مشغول بود. مجموعه یادداشتها و نوشتههای این رفیق که در طی این سالها بطرح و تدوین آنها پرداخته - شد، تلاشی عظیم در راه پیشبرد جنبش بود.

پس از دستگیری رفقا، پاک نژاد و چند تن دیگر از اعضای گروه در مرز ایران و عراق (هنگامیکه برای پیوستن به جنبش فلسطین می-رفتند) که از طرف مزدور خائن و جاسوس عباس شهریاری لو رفته بودند و بواسطه آشنایی نزدیک کاخساز با این رفقا و کسب برخی اطلاعات در این زمینه از طرف پلیس، او را هم دستگیر کردند. در ابتدا پلیس نمیدانست که باچه کسی روبروست و از فعالیتهای کترده او اطلاعی نداشت. اما هنگامیکه به یادداشتها و نوشته های او دست یافتند، متوجه شدند که باچه کسی مواجه شده اند. گنجینهیی آزارزننده ترین کتابهای " ممنوعه " و انبوهی یادداشت نشان داد که او چه انسان آگاه و از نظر رژیم " خطرناکی "

میباشد و بعدها در جریان بازجویی و محاکمه هرچه بیشتر این امر اثبات گردید. شکنجههایی که در مورد رفیق کاخساز و همچنین سایر رفقای این گروه اعمال شد، نمونه روشنی از سببیت و وحشیگری جلادان رژیم شاه بود. رفیق کاخساز در نتیجه این شکنجهها دچار خونریزی مغزی شده و یک چشم خود را نیز از دست داد. اما این لطافات و صدمات نتوانست در او - ده مبارزاتی او و پیوند مستحکمش با توده زحمتکش تاثیر بنهد.

در " دادگاهی " که برای این رفقا برقرار گردید، کاخساز به حساب آمد " محکوم " گردید. اما پایان یافتن " دادگاه " بمعنی پایان شکنجه برای رفیق نبود و هر چند مدت یکبار و به بهانههای مختلف، رفیق را به زیر شکنجه برده و شدت آزار میدادند.

اکنون ۹ سال از آن زمان میگذرد. و دلیری چون او که در طی این مدت نایستگی و ایمان خود را با ثبات رسانده است، بنا بر نه خواست مردم و به برکت مبارزه انقلابی توده زحمتکش و نیز بیکار دلیرانه خود وی و تمام زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، به میان خانواده خود و خانواده بزرگ زحمتکشایران بازگشته است. خون هزاران شهید راه آزادی که در طی این سالها خاک ایران را گلگون ساخته است، و بویژه توده دلاور و زحمتکشی که در چند ماهه اخیر بحقابله با توپ و تانک رژیم متغور پهلوی برخاسته و خون داده است، درخت انقلاب را آبیاری نموده و امروز به آزاد ساختن برخی از فرزندان دربند مردم ایران، و از جمله رفیق کاخساز، نائل آمده است. باید که از خلق کبیر و فرزندان دلیرش آموخت و در راهی که آنان



آیت الله منتظری

آیت الله منتظری یکی از چهره های درخشان جامعه روحانیون مبارز ایران و یکی از سمبلهای مقاومت دلیرانه زندانیان سیاسی ایران در سیاهالهای رژیم محمد رضا شاهی است.

آیت الله منتظری، بسال ۱۳۰۶ در شهر نجف آباد، در یک خانواده فقیر دهقانی متولد شده و تحمیلات خود را در مدرسه علوم الهی اصفهان بی پایان رساند. پس از آن برای تدریس به حوزه علمیه قم آمده و در آن شهر مقیم گشتند.

آیت الله منتظری، از ابتدا در صف روحانیون مبارز و ضد رژیم بود و همواره به ایجاد امکانات و فعالیت برای کسب آزادی و استقلال ایران و مبارزه سیاسی میپرداخت.

در سالهای ۳۹-۴۲ که موج وسیعی از مبارزه در بین روحانیون جریان یافت، آیت الله منتظری نیز در زمره پیشگامان این مبارزات بوده و در سال ۱۳۴۲ بخاطر فعالیتهای مبارزاتی وسیع و شیز پشتیبانی و همکاری با آیت الله خمینی، دستگیر گردید. در سال ۱۳۴۵ نیز آیت الله منتظری، برای بار دوم و به همراه عدهیی دیگر از روحانیون مبارز ایران، " بجرم " تشکیل " گروه ضد سلطنتی " دستگیر میشوند. مبارزات وسیعی که در قم برای آزاد ساختن ایشان براه میافتد، موفق میگردد که پس از مدت کوتاهی این روحانی مبارز را آزاد نماید. اما چندی نمیگذرد که آیت الله منتظری برای بار گام نهاده اند، و برای کسب پیروزی نهایی، گام زد. راه رفیق کاخساز، راه انقلاب ایران، راه آزادی و استقلال میهن وتوده زحمتکش و راه پیروزی است.

سوم دستگیر شده و به دو سال زندان محکوم می-گردند.

پس از بیرون آمدن از زندان، باز هم مبارزات پیگیرانه آیت الله منتظری ادامه می-یابد. مبارزات ایشان در طی این سالها هر چه بیشتر شدت یافته و مجالسی که ایشان در آن محبت میکردند به جمعی برای مبارزه تبدیل شده بود. فشارهای رژیم به ایشان مداوم شدت یافده و از هر فرصتی برای آزار و ایجاد مزاحمت برای ایشان استفاده میکردند. اما آیت الله منتظری استوارانه بر مبارزات خود پا - فشاری نموده و هرگز تسلیم این فشارها نشد.

در سال ۱۳۵۴، ارتجاع ایران، یکبار دیگر ایشان را دستگیر کرده و بزندان آفکند. برای مدت یکسال، آیت الله منتظری تحت وحشیانه ترین شکنجهها قرار داشت و پس از طی این دوران، در " دادگاه " محاکمه شده و به ۱۵ سال زندان محکوم گردید. از آن پس نیز ایشان مرتباً به شکنجه کشیده شده و زیر ضربات مزدوران جلاد رژیم قرار گرفتند. در نتیجه این شکنجهها، پرده گوش ایشان یاره شده و شنوایی خود را از دست داده اند. بارها مزدور - ان ساواک سعی نمودند که مقاومت ایشان را در هم شکسته و به همکاری با رژیم متغور شاه بکشانند. این تلاشها حتی تا آنجا گسترش یافت که پدر و شاگردان ایشان را تحت فشار قرار دادند. ولی آیت الله منتظری دلیرانه مقاومت نموده و این توطئهها را با شکست مواجه نموده اند.

آزادی آیت الله منتظری خواست تمام می مردم ما بوده است و امروزه با مبارزات خود موفق به آزاد نمودن ایشان گشته اند.



شکرالله پاکنژاد

شکرالله پاکنژاد یکی از چهره‌های درخشان انقلاب ایران و یکی از فرزندان دانا و آزاده خلیق قهرمان ما است که سالها در شکنجه‌گاه‌ها و سیاه‌خانه‌های رژیم پر افتخار نهضت آزادیخواهانه و استقلال طلبانه را، استوار پیداشته و در راه منافع بوده رنجبر با اراده‌ای پولادین خود در زندان سنگری تسخیر ناپذیر ساخت.

رفیق پاکنژاد از ابتدای جوانی مبارزه علیه رژیم را آغاز نمود. وی دوران دبیرستان و سپس دانشگاه همواره جزء مبارزین صفا و ل بود و در هر مبارزه‌ای خصایل برجسته مبارزاتی خود را بیشتر بروز میداد. رفیق پاکنژاد در دوران تحصیل در دانشکده حقوق، در سازماندهی کمیته سراسری دانشگاهها نقش بسیار اساسی داشت و در تحت رهبری این کمیته بود که مبارزات وسیعی انجام گردید. در سال ۴۴ رفیق پاکنژاد دستگیر و به سربازی فرستاده شد.

رفقای گروه فلسطین در زمستان ۴۶ در روبرو گزاری مراسم هفتم و چهارم شادروان تختی و بزرگداشت این مبارز محبوب مردم ما نقش بسیار بزرگ ایفا کردند و بواقع هدایت کنندگان بزرگترین تظاهرات سیاسی آن دوران، در ایران بودند. در زمستان سال ۴۸ بود که رفیق پاکنژاد بدلیل برخی ارتباطات گروه با عیال شهریار، ری، جاسوس‌ها و دستگیر شد و پس از ماهها شکنجه بهمراه دیگر مبارزین این گروه به محاکمه کشیده شد.

پاکنژاد در بیدارگاہهای رژیم، تمام سیستم پوسیده و ارتجاعی رژیم وابسته شاه را محکوم کرد و نشان داد یکی از حامیان واقعی توده رنجبر است. شالگونی از اعضاء گروه فلسطین در دادگاه تجدید نظر گفت:



لطف‌الله میثمی

لطف‌الله میثمی از دلیران و فرزندان در بندد خلقهای ایران است که بیش از ۴ سال گذشته را در بند رژیم جلادمنش پهلوی اسیر بوده است. این مجاهد دلیر و رزمجو، یکی از بهترین شهدایندگان خلقهای دلیر میهن ما در نبرد رودر رو با رژیم منحور شاه و قداره بندانش بوده و در دوران اسارتش نمونه‌ای عالی از استقامت و پایداری را ارائه داده است.

لطف‌الله میثمی در سال ۱۳۳۱ در اصفهان متولد شد و در سال ۱۳۴۱ در رشته معدن از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. او در دوران تحصیل خود، بصف مبارزین ضد رژیم پیوسته و در سال ۱۳۴۱ دستگیر شده و پس از مدتی شکنجه به ۸ ماه زندان محکوم گردید. او که پرورش یافته در مبارزات توده‌ای سالهای ۴۲-۳۹ بود پس از پایان جنگ دوم قتل عام های آذربایجان و کردستان را انجام داد. همان ارتشی است که قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را بخون کشید، کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد را انجام داد و حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط کرد... همان ارتشی است که خسرو روزبه مظهر جنبش انقلابی ایران را تیر باران کرد خون وارطانتها، سیاه مکه‌ها، میشی‌ها، فاطمیه‌ها، کریم‌پور‌ها، بخارائیه‌ها، آیت‌الله سعیدی‌ها، نیک‌داودی‌ها و هزاران شهید دیگر بدستور امپریالیست‌ها و بحکم همین دادگاههای ارتشی ریخته شده است. ارتش ایران بدست مستشاران آمریکایی، انگلیسی، و اسرائیلی اداره میشود.

پاکنژاد کماکان در زندان است و استوارانه مقاومت میکند. برای رهایی او و هزاران نفر دیگر که هنوز در غل و زنجیرهای رژیم خائن شاه گرفتارند، وسیعترین مبارزه ممکن را میبایست انجام دهیم.

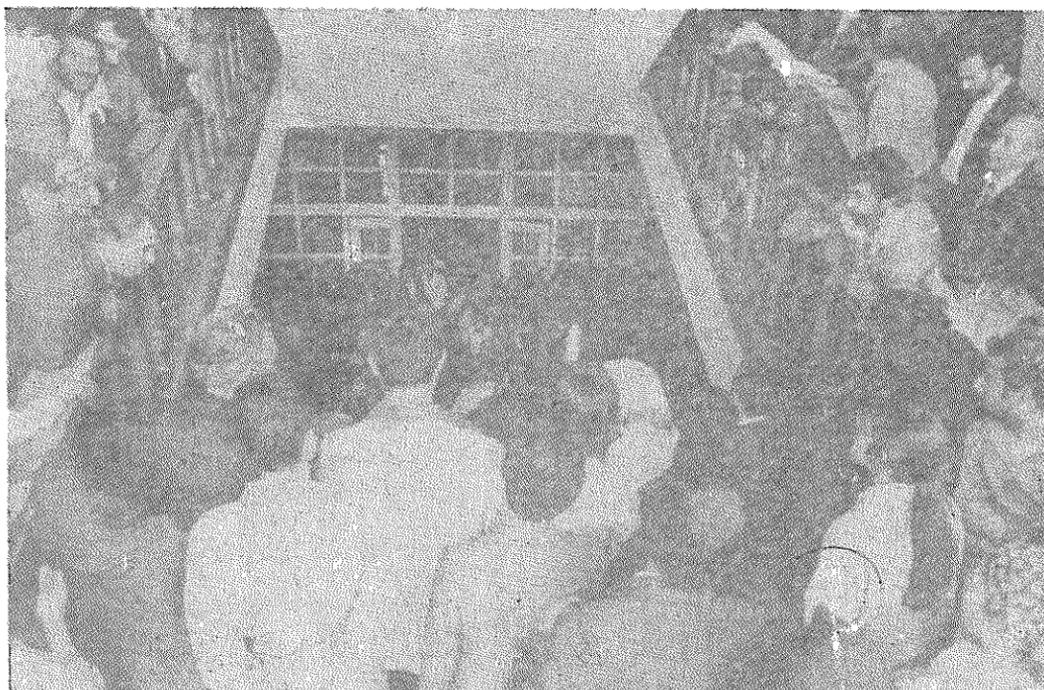
پس از بررسی و جمع‌بندی از علل شکست جنبش از خط مشی رفرمیستی و تشکیلات نهضت آزادی، که در آن چهارچوب مبارزه مینمود، برید و به راه انقلاب قدم نهاد. او در سال ۴۹ به سازمان مجاهدین خلق پیوست. ایمان او به انقلاب باعث شده نقش ارزنده‌ای در پیشبرد فعالیت‌های سازمانش ایفا کند. در اول شهریور ۵۰ که سازمان مجاهدین با یورش برنامه ریزی شده پلیس‌بخانه‌های تیمی سازمان مواجه گردید، او نیز دستگیر شده و تا شهریور ۵۲ در زندان بسر برد و پس از آزاد شدن بزندگی مخفی روی آورد. او یک بار در یک درگیری که با نیروی‌های در تیر دیکی سفارت اسرائیل پیش آمد موفق به فرار گردید ولی در ۲۷ مرداد ماه ۵۳ در اثر انفجار بمبی در خانه تیمی اش مجروح و سپس دستگیر شد.

از هنگام دستگیری مجاهد میثمی، تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت. رژیم خونخوار میخواست که انتقام تمام ناکامی‌هایش را از این فرزند دلیر خلق بگیرد و تلافی نغزتی را که تمام مردم از این رژیم در دل دارند، بسر او در بیاورد. وجه‌ها که نکرد. در زیر آبی شکنجه‌های طاقت فرسا انقلابی دلیر استوار ایستاد و خم نشد. جلاخان رژیم دوست‌اورا از مچ قطع کرده و چشمانش را نیز از حدقه بیرون آوردند تا شاید بتوانند بر اراده‌اش غلبه کنند. چه اندیشه باطل و بی‌حاصلی. مجاهد میثمی بدنش قطعه قطعه شد ولی اراده و ایمانش یکپارچه و خلل ناپذیر باقی ماند اکنون چهار سال است که از اسارت میثمی بدست دشمن خونخوار میگذرد. اما علیرغم تمام شکنجه و سختی‌هایی که در طی مدت بر او وارد آمده، همچنان عهد خود را با خلق حفظ نموده و به پیکار دلاورانه‌اش ادامه میدهد. افتخار بر او و مبارزه دلیرانه‌اش باد.

دایر بر آزادی بخشی از زندانیان سیاسی عنوان میشود اعلام میداریم: ترتیب و شکل این آزادی و تفکیک زندانیان سیاسی از یکدیگر و عنوان اعلام شده را، مغایر با خواست واقعی مردم میدانیم."

اوضاع در بیرون زندان شور و هیجانی بی سابقه داشت. لحظات حساسی بود، هر گروه از زندانیان که آزاد میشدند، در میان شور و هل هله مردم بر وی دست بلند میشدند. آنان به سیل خروشان مردمی پیوستند که با مبارزات تاریخشان آزادی زندانیان را یکفأ آورده اند. همانگونه که تمامی زندانیان آزاد شده معترف بودند: "این نیروی ملت بود که ما را از زندانها آزاد کرد." خانواده های زندانیان در محلهاییکه انتظار میرفت عزیزان خویش را بیابند، گرد آمده بودند. یکی از روزنامه ها در گزارش خود نوشته است: "میدان زندان به محوطه شادی تبدیل شده بود. مادریکه تنها فرزندش را پس از هشت سال در آغوش گرفته بود بزحمت حرف میزد، میگفت: "من نمیتوانم باور کنم که این فرزند من است." مردم، جوانها، همه بر روی آنها گل می انداختند، آنها را گل باران میکردند و کف میزدند. یکی از زندانیان هنوز صحبتش تمام نشده بود که بانوی سالخورده ای با شاخه گل به استقبالش آمد. آنقدر گرم و صمیمانه شاخه گلایول به "محسن" داد که ابتدا تصور میشد که مادر محسن است. این اشتباه وقتی روشن شد که خود را بنام زهرا دواجی معرفی کرد و گفت: "دو فرزندم فرهاد مینو که دانشجوی سال ششم پزشکی و مهرداد مینو که دانشجوی سال سوم دانشکده فنی در زندانند. برای استقبال آنها آمدم و چون از آنها خبری نیست شاخه های گل را به دیگر جوانان آزاد شده میدهم."

در گوشه ای دیگر "مادری با قدمهای محکم نزدیک زندانی رها شده آمد و پس از گفتن اسم فرزند خود از او پرسید: "آزاد شد؟" با لحظه ای درنگ، زندانیان آزاد شده پاسخ داد نمی دانم، اطلاع ندارم. شاید او هم آزاد شود. بقیه در صفحه ۱۹



خانواده های زندانیان سیاسی در پیروزی بزرگ مردم ما سهم ویژه ای دارند. آنان یک دم از مبارزه برای آزادی این فرزندان واقعی همه مردم ما از پای نایستادند. این صحنه ایی از مبارزات آنان را نشان میدهد که در "دادگستری" تجمع کرده اند.

گزارشی از آزاد شدن ...

۱۵ سال از عمرش را در زندان برازجان، یعنی یکی از بدترین زندانهای ایران سر کرده است. من فکر نمیکنم تمام آنها که شاهد آزادی صفر قهرمانی بودند بتوانند تا پایان عمرشان فرجی بادهای "زنده باد قهرمان" را فراموش کنند. صفر رفت و آنها که از شادی میگریستند، برای همیشه کلامی را از او آموختند که در ادبیات زندان جاویدان است: نه! در همان مدتی که بچه ها در زندان دور هم جمع بودند اعلام کردند، که قطع نامه ای توسط زندانیان آزاد شده مادر گشته و در آن اعلام خواهد شد که باید همه زندانیان سیاسی آزاد شوند. "در این مورد زندانیان سیاسی قزل حصار نوشتند: "ما زندانیان سیاسی قزل حصار خود را عمیقاً مدیون مبارزات حق طلبانه و عادلانه مردم ایران در جهت آزادی کلیه زندانیان سیاسی میدانیم. با توجه به مطالبی که این روزها از جانب مقامات رسمی دولت از طریق وسائل ارتباط جمعی

حانیون، معلمین، وکلای دادگستری و... که به استقبال آنان رفته بودند تصور نکردی بود. یکی از آزاد شدگان زندان قصر جریان بیرون آمدن زندانیان را چنین تعریف میکند: "صبح روز ۲ آبان تمام بندهای یک تا هشت را با یکدیگر باز کردند و برای اولین بار زندانیان قادر شدند که با یکدیگر ملاقات کنند. از بعد از ظهر، خواندن اسامی زندانیانیکه پس از سالها محکومیت و زجر و شکنجه با تنی رنجور اما با روحیه ای چون صخره استوار، آزادی خود را باز یافتند، آغاز شد. هر اسم که خوانده میشد شور و ولوله به اوج میرسید. بچه ها رفیقی را که آزادیش را پس گرفته بود در آغوش می کشیدند و بوسه باران میکردند. بچه هایی که شهرستانی بودند و پس از آزادی جایی برای خوابیدن نداشتند، لازم نبود نگران باشند. دهها زندانی برای بردن آنها به خانه هایشان نوبت گرفته بودند. آنها که را به شان دور بود، از اینکه قبل از مقررات قطع عبور و مرور در شهر بدستور فرمانداری نظام می به خانه هایشان برسند نگران نبودند. دیگران برای رساندن آنها به خانه هایشان و یا نگهداری از آنها در خانه شان نوبت می گرفتند. مگر میتوان از رفیقی که سالها رنج و مشقت را تقسیم کرده است، به این زودی دل کند. اسنیا را با بلندگو میخواندند. وقتی نام صفر قهرمان (نام فامیل صفر، قهرمان - نیان است، همزمانش او را "قهرمان" میخوانند) را از بلندگو اعلام کردند، تمام بند یکمدا فریاد کشید. هرگز نمیتوان این لحظات را فراموش کرد. لازم نبود در میان زندانیان صفر قهرمانی را جستجو کرد، موی سفید و قامت استوارش در برابر چشم همه بود. بچه ها شروع کردند به کف زدن و هورا کشیدن. بی اغراق میتوانم بگویم بیش از ۱۵ دقیقه این هورا کشیدن ادامه داشت. صفر قهرمانی طی سالها زندان شنوایی گوشه ای را تا حدی از دست داده. بچه ها میدانستند که او تازه از یک عمل جراحی خلاص شده است و نباید دستش بزنند. او را روی دست بلند کردند. او تمام زندان و شکنجه است. تا کنار در ورودی روی دست آوردنش. لحظه بدروید فرار رسیده بود. میبایدست چون ماهی که به اقیانوس میپیوندد به مردم به پیوندد. برای جمع کردن اثاثیه اش که به اثاثیه درویش میمانست، بی اغراقدهها نفر با هم رقابت میکردند. صفر با چشمهای به اشک شسته میرفت و هر چند لحظه یکبار به عقب بر میگشت و مشتایش را به علامت پیروزی و استواری بالای سر میگرفت. فقط بعنوان گواهی از زندگی صفر خان اینرا بدانید که او

وسطایی فد سبوی عمال رژیم، از مردم دفاع کردند. بسیاری از آنان در زجر شکنجه ها شهید شدند و بسیاری ناقص العجز. یکی نا - بیضا، یکی با دستهای قطع شده، یکی فلج گشته و... اما استوار و مقاوم و شکستناپذیر. برهنگی که مامور شکنجه مسعود احمد - زاده بود با و گفت "ما با شما دشمن خونسی هستیم، خودت هم اینرا صداتی، ولی من تو را تحسین میکنم."

مردم اینهمه فداکاری و از جان گذشتگی بخاطر منافع خلق را بی جواب نگذارند و به نیروی مبارزات قهری خود، فرزندان خویش را از چنگال رژیم نجات دادند. رژیم ضد خلقی و مزدور شاه گوشت تا آزادی زندانیان را "عفو ملوکانه" و بخاطر روز منحوس تولد شاه خائن جلوه دهد. لیکن زندانیان زیر بار این ریاکاریها نرفته و ۴ آبان را روز نحسی برای بیرون رفتن خود از زندان دانستند. در نتیجه مقاومت و مبارزه، آنان قبل و بعد از ۴ آبان بیرون آمدند. فرزندان راستین خلق قهرمان ایران برای اینکه جای هیچگونه شبهه ای باقی نگذارند گفتند: "برخلاف آنچه که یوسیلسه دستگاههای تبلیغاتی مطرح میشود این نیروی ملت ایران بود که درهای زندانهای ساواک را در تهران و شهرستانها بر روی وطن پرستان و آزادخواهان زندانی گشود." (سیامک لطفه الهی)

صفر قهرمانی قدیمی ترین زندانی سیاسی ایران در این مورد میگوید: "سال ۵۵ مرا برای نوشتن تقاضای عفو به زندان اوس بردند. من به این خواست تن ندادم و بخاطر همین تن ندادن مدتها در بدترین شرایط در زندان اوس ماندم. زندان بان گفت: آنقدر اینجا میمان تا بیوسی. من خندیدم و گفتم: من بیوسی سیدنی نیستم، مردم پشت دیوارهای زندانند. ما برای تحقق بخشیدن به خواست مردم بود که از زندان بیرون آمدیم. عفو نه برای من، و نه تکر میکنم برای همه آنها که آزاد شده اند، کلامی جایز باشد. ملت ما را آزاد کرد. ما به این نیرو ایمان داشتیم و همچنان داریم. حتی در هولناک ترین لحظات که دوستانمان را برای شکنجه میبردند و ما فقط فریاد نعره آتار می شنیدیم، امید به مردم را هرگز از دست ندادیم." اینها مشت آهنین و محکم زندانیان سیاسی ایران بود که بر پوزه عمال دست نشانده امپریالیسم و تبلیغاتشان فرود می آمد.

شورو هیجان وصفناپذیر خانواده های زندانیان سیاسی، رفقای آنان، و همگی مردم از بخشهای مختلف، کارگران، دانشجویان، رو -



خانواده مبارزین در زندان، در انتظار عزیزان پرافتخار خود هستند.



دانشجویان دانشگاه تهران در صحنه‌یی از تظاهرات خود - ۲۹ مهر.

اخبار...

۴ آبانماه :

تظاهراتی دانش‌آموزان و دانشجویان در این روز نیز به شدت ادامه داشت. از آنجمله - اند : تظاهرات دانش‌آموزان در تهران، تظاهرات دانش‌آموزان و معلمان در سوسنگرد که به مجروح شدن حداقل یکی از دانش‌آموزان منجر شد. همچنین باید از تظاهرات ۵۰۰ نفری دانش‌آموزان در کنار سایر مردم در گرگان، دانش‌آموزان دبیرستانهای آذربایجان و حکیم نظامی در قم، دانش‌آموزان مدارس رضاشاه کبیر کولانکشی عسکری و ابن سینای شهری، دانش‌آموزان بابل (با شعار لغو حکومت نظامی و آزادی زندانیان سیاسی)، اراک و بندرعباس نام برد.

۳ آبانماه :

تهران - در این روز تجمع وسیعی در دانشگاه تهران صورت میگردد. از ۱۰ صبح این روز دانشجویان تظاهرات وسیعی را آغاز می - نمایند و دانش‌آموزان بسیاری از مدارس شهر که برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکومت نظامی و بسیاری شعارهای مبارزاتی دیگر به اعتصاب و راهپیمایی بپا خاسته بودند به دانش‌جویان مبارز ملحق میگرددند. اخبار حاکی از آنست که بیش از ۱۰ هزار نفر در این تجمع مبارزاتی در دانشگاه تهران شرکت مینمایند. تظاهراتکنندگان به راهپیمایی در محل دانشگاه دست زده و سپس به دادن شعارهای مبارزاتی و گوش کردن به نوارهای مبارزاتی میپردازند این تظاهرات تا حدود ظهر ادامه مییابد.

در این روز در شهرهای دیگر ایران نظیر : اصفهان، مهاباد و مشهد شاهد مبارزات وسیع دانش‌آموزان و دانشجویان بود.

مهاباد - حدود ۵ هزار نفر از دانش‌آموزان دبیرستانها، مدارس راهنمایی و هنرستان مهاباد در محل آموزشگاههای خود دست به اعتصاب غذا زده و نمایندگان دانش‌آموزان قهرمان این شهر اعلام مینمایند که اعتصاب غذا ۴۸ ساعت ادامه خواهد یافت. از جمله خواستهای آنان آزادی زندانیان سیاسی و از جمله آزادی رفیق غنی بلوریان (که ۲۵ سال در زندانهای رژیم بسر برده است) بود.

خرم آباد - متجاوز از ۵۰۰ نفر از مردم این شهر که اکثریت آنها را دانش‌آموزان تشکیل میدادند دست به تظاهرات و راهپیمایی باشکوهی میزنند و حدود ۱۰۰ بانگ را آتش می - زنند. دانش‌آموزان قهرمان تابلوهای راهنمایی را از زمین در آورده و در مسیر خیابان می اندازند تا از نزدیک شدن پلیس و ارتش مزدور بمانعت کنند. پس از مدتی دانش‌آموزان بسا حمله مزدوران محمدرضا شاه مواجه میشوند، ولی تظاهرات ختم نشده بلکه از خیابانی به خیابانی و از کوچه‌ای به کوچه دیگر حرکت میکنند. تظاهرکنندگان از جمله چند مائین دولتی را نیز در هم می شکنند.

۴ آبانماه :

دانشگاه تهران - در اینروز دانشگاه تهران شاهد یکی از پرشکوهرترین تظاهراتی دانشجویان و دانش‌آموزان در چند مدت اخیر بوده. هزاران دانش‌آموز از مدارس تهران به دانشجویان ملحق شده و تظاهرات عظیمی در صحن دانشگاه آغاز میگردد. تظاهرات چندین هزار نفری (نزدیک به ۱۰ هزار نفر) با سخنرانیهای زندانیان سیاسی که تا آن روز آزاد گشته بودند و همچنین نمایندگان کارگران مبارزان کارخانجات، توأم میشود. شعارهای تظاهرات عبارت بود از : "خلق ایران نان و مسکن می - خواهد نه توپ و تانک"، "ایران بما ملحق شوید" (اشاره بمردم در خیابان)، "برقراری دموکراسی خلق برهبری طبقه کارگر" و ..

در دانشگاه آریامهر نیز تظاهرات وسیعی برپا بود که شعارهای مذهبی و کمونیستی هردو داده میشد. شعارهایی نظیر : "حکومت نظامی باید الفاء گردد"، "استقلال حکومت اسلامی"، "خون شهیدان ما نوید آزادیست" و "مجاهدان زندانند، زندانبانان جلادند، ای جلاد تنگست باد". در ضمن تظاهراتی از مبارزین چون آیت‌الله خمینی و از شهیدان، شریف‌واقی، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن، محمد عسکری زاده، رسول مشکین‌فام و مهدی رفائی توسط تظاهرکنندگان مبارز حمل میشد. در ضمن تظاهراتی بشتیبانی قاطع خود را از خلع فلسطین اعلام نمودند.

دانشگاه ملی - تجمع و تظاهرات ۱۰۰۰ دانش‌جو در این دانشگاه، در مقابل ساختمان دانشکده پزشکی برگزار میگردد. در این مبارزه چندین ساعت نوارهایی از نطقهای آیت‌الله خمینی پخش گردیده و همچنین نمایشگاهی از کتابهای مبارزاتی ترتیب داده شده بود.

همدان - دانشجویان دانشگاه بوعلی از آبان وارد اعتصاب غذای خود، در اعتراض به کشتار ارتجاع (در ۳ مهرماه) میشوند. از جمله خواسته‌های دانشجویان اعتصابی برکناری استاندار همدان و رئیس شهرهای همدان بود. در ضمن دانشجویان مدرسه عالی کشاورزی همدان به رفقای اعتصابی خود پیوسته و در پی آن کارکنان سازمان بهداری و بهداشتی نیز بسا آنان اعلام همبستگی میکنند.

قم - دانش‌آموزان این شهر تظاهرات گسترده‌ای را برگزار مینمایند و با بمب‌دستی و سنگ و چاق و آتش‌افروزی به مقابله با پلیس و ارتش مزدور میپردازند که در نتیجه جوان ۱۷ ساله‌ای کشته میشود. این مبارزه دلاورانه در پی زдохورد روز قبل دانش‌آموزان با پلیس صورت گرفت.

رشت - بیش از ۸۰۰۰ دانش‌آموزان این شهر دست به تظاهرات و راهپیمایی با شکوهی میزنند و از جمله شیشه‌های ۱۱ بانگ و چند سینما را در سر راه خود خرد میکنند. شعار دانش‌آموزان آزادی زندانیان سیاسی و برکناری رئیس آموزش و پرورش ناحیه بکرشت بوده است.

در هفته گذشته مبارزات وسیع دیگری از طرف دانش‌آموزان و دانشجویان در شهرهای بابل، مشهد و ... صورت میگردد.

مبارزات معلمین و فرهنگیان

معلمان و فرهنگیان شریف و آزاده ایران در همراهی با مبارزات خونین مردم اعتصابات وسیعی را بر عرصه میهن دامن زده‌اند. این مبارزات که از نیمه مهرماه آغاز گردید، با گذاردن خواسته‌های مشخص و سیاسی "لغو حکومت نظامی" و "آزادی زندانیان سیاسی" هر چه معلمان مدارس تهران در روز اول آبانماه پس



یکی از شعارهایی که بدست دانشجویان در دانشگاه تهران نصب گردید - ۳ آبان .

افتخاری پایان به شهیدان جنبشهای توده‌یی اخیر .

شهید کرمان



حاج محمد با قدرت چوپاری

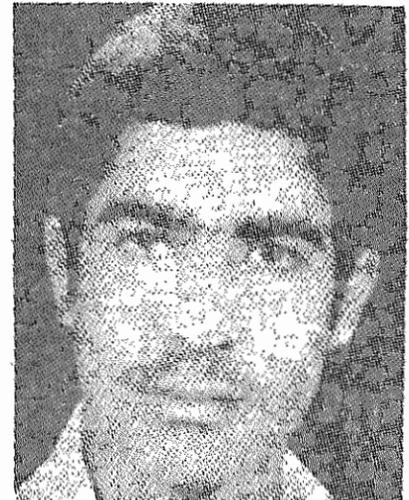


حسین خان پور (دانشجو)

شهیدان آمل

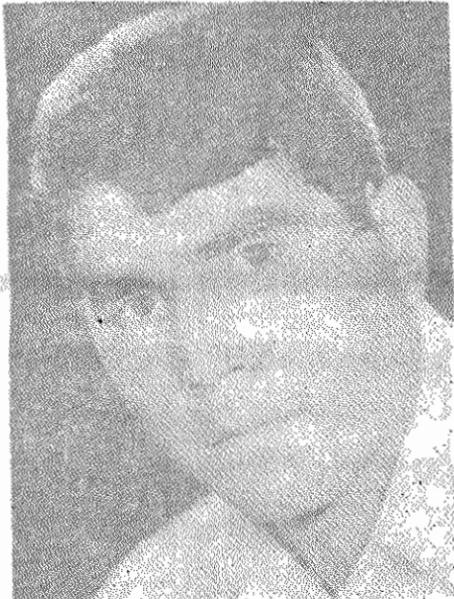


فروغ راعی

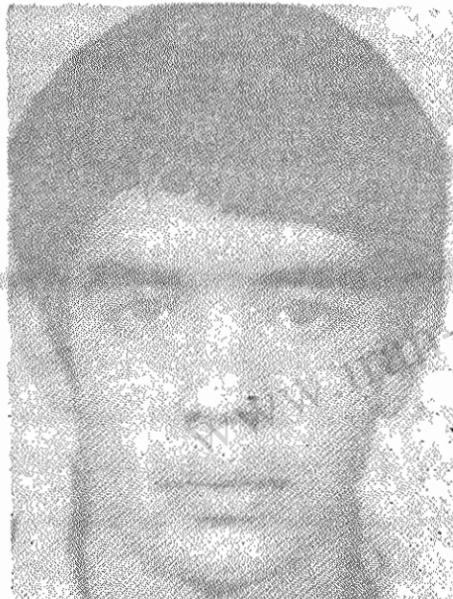


علی عظیمی (کارگر)

شهیدان ساوه



محمد تقی صفری (دبیر)



سیدعباس اسدی (دانش آموز)

شهیدان کرمانشاه



بهروز زمانی



مهندس صادق مابونی

شهیدان دزفول



غلامحسین سپهری



رحیم مجدیان



رحمن بوستان



علی همایون پور



دانشجویان دلیر، صحن دانشگاه را بعرصه مبارزه‌ی پرشور بدل نموده‌اند - ۳ آبان .

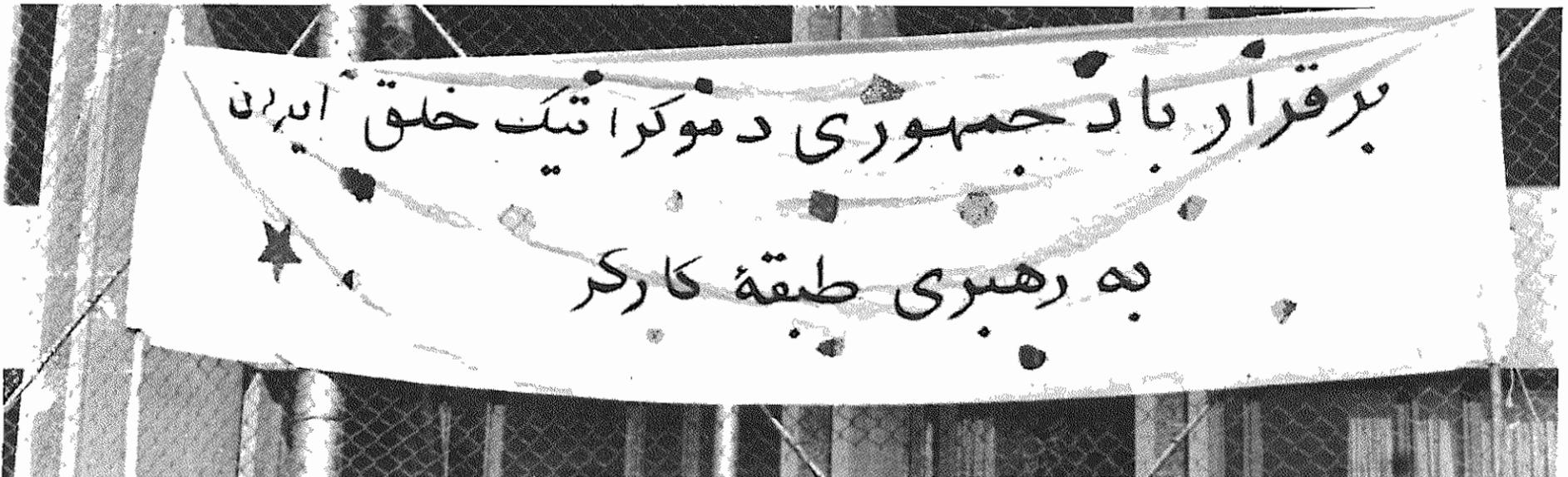
شبهه بانکهای امپریالیستی و اداره‌های دولتی میگردانند. در آبادان دانش‌آموزان سداوردن مقداری لاستیک و جوب اعدام نموده و آنرا به آتش‌کسده و به خیابان برتاب‌کنند. ماموران مزدور به دانش‌آموزان حمله کرده و در کسری سیدی رخ میدهد که ۲ سرباز ارس و تعدادی از دانش‌آموزان مجروح میگردند. دانش‌آموزان در چند هفته اخیر نقش بزرگی در پیشبرد مبارزه در این شهر داشته‌اند. بقیه در صفحه ۱۵

فرزندان راستین خلق" و "اتحاد، مبارزه، سرور" را برگزار مینمایند. در همین روز تعداد زیادی از دانش‌آموزان تهران نظیر: رهنا، الهی، فاتح، مجمع‌آموزگار فرح، هدف‌شماره ۳ و به تظاهرات و راه‌پیمایی با شعارهای سیاسی و ضد رژیم دست میزنند. «موج اعتصاب، تظاهرات و راه‌پیمایی دستا- نه‌ای شونتر، مجاباد، شهرضا ادامه داشته و در بسیاری از این شهرها تظاهر کنندگان به شکست

تبعید شدگان، بخصوص آیت‌الله العظمی خمینی، آزادی و بازگشت دانشجویان دستگیر شده به دانشسرا" دست به اعتصاب میزنند. «تهران - دانشجویان دانشگاه ملی به یک راهپیمایی پرداختند. تظاهر کنندگان که بیش از ۴۰۰ نفر بوده‌اند پلاکارت‌هایی با شعارهای "آزادی زندانیان سیاسی" و "لغو حکومت نظامی" حمل میکرده‌اند. همچنین دانشجویان دانشگاه صنعتی تظاهرات با- شکوهی با شعارهای "درود بر زندانیان سیاسی

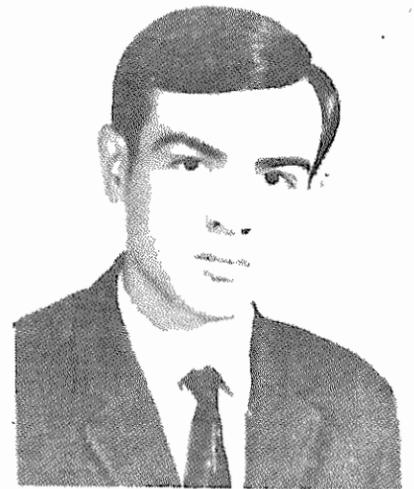
اخبار...

برخی از این تظاهرات عبارتست از: تظاهرات رزمنده دانشجویان دانشگاه ملی، دانش‌آموزان اصعبان، میانه و مشهد که در همه موارد دانش‌آموزان به اعتصاب و تظاهرات توأم با خسرود کردن شبهه‌های اداره‌جات دولتی میپردازند. آبانماه: «اهواز - بیش از هزار نفر از دانشجویان دانشسرای راهپیمایی تحصیلی اهواز با خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازگشت کلیه



یکی از شعارهایی که زینت بخش دانشگاه تهران بود - ۳ آبان .

کارگر، دهقان، دانشجو، پیروز است!



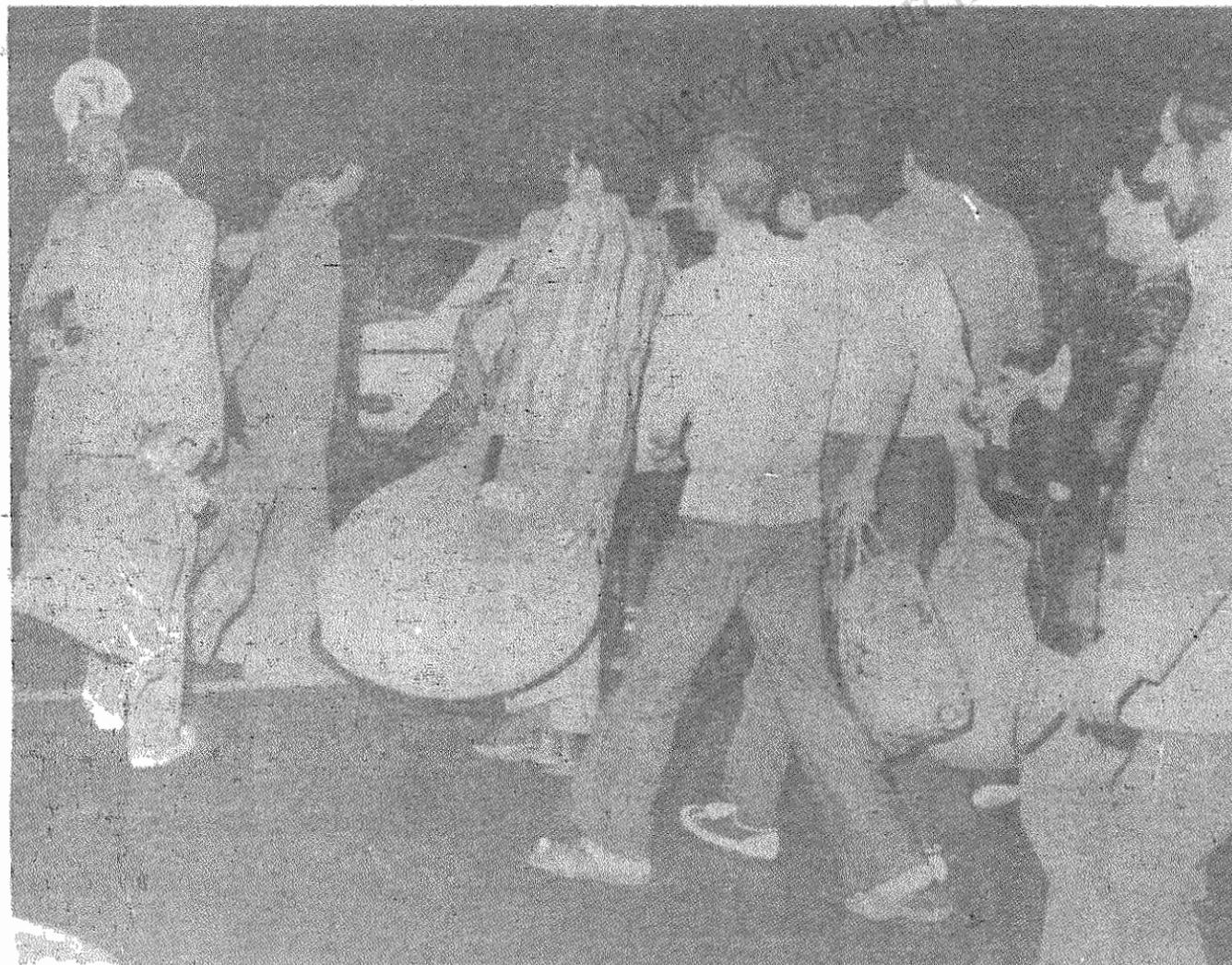
مهدی رضائی

یکی از درخشانترین ستارگان آسمان جنبش نوین انقلابی ایران مهدی ۱۹ ساله است. مهدی در خانواده‌ای پرورش یافت که ۴ سرباز مادیق به انقلاب ایران هدیه کرد. خانواده رضایی‌ها با نامهای احمد، رضا، مهدی، صدیقه بر صفحه درخشان جنبش انقلابی ایران میدرخشد. مهدی تحت تاثیر برادران بزرگتر خویش احمد و رضا به مبارزه انقلابی علیه ظلم و استثمار کشیده شد و تا آخرین قطره خون خود در راه آرمان زحمتکشان ایران داد. رضا رضایی در نامه ای خطاب به پدر و مادرش در مورد مهدی مینویسد: "مهدی از خود مقاومتی بینظیر نشان داد و در زندگی کوتاه و انقلابیش مراحل زیادی را طی کرد و عمر پرشماری داشت. ... احمد شهید همواره میگفت که نهادهای پرافتخار و شورانگیز ملاحیت لازم دارد. واقعا چه راست میگفت. شهادت شور انگیز خودش و شهادت قهرمانانه مهدی در زیر شکنجه های وحشیانه پست ترین و ذلیل ترین جانوران تاریخ یعنی همین شکنجه گران وحشی و مغرور ساواک، واقعاً عظمت روح و عمق ایمان مهدی را برآه مقدسی که در آن بیگار میکرد نشان داد. من چگونه میتوانم وحشیگری و نهایت پستی و بیشرتی افرا دی نظیر هوشنگ عزقندی و کریم باصرینیا و همین پرویز شایستی را برای شما بازگو کنم. همانطور که نمیتوانم عظمت مقاومت مردانه مهدی را در زیر شکنجه های این جانوران برایتان بگویم. مهدی عزیز را بعد از دادگاه به شکنجه گاه بردند و تا آنجا که توانستند از خودشان پستی و وحشیگری نشان دادند. مهدی در حوالی ظهر چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۱ بعد از اینکه در زیر شلاقهای منوچهری (هوشنگ عزقندی) و عطا پور ویا حسین زاده، بیپوش شد دیگر بیپوش نیامد. او را به بیمارستان شهربانی بردند ولی به شهادت رسیده بود. فردا خبر اعدام او را در روزنامه ها نوشتند و عصر روز چهارشنبه ساعت ۷ بعد از ظهر با آمبولانس جسد برد و خونین مهدی را در حالیکه ما شین آن را اسکورت میکردند به بهشت زهرا بردند..."

مهدی در بیدادگاه نگاشته گفت "بما که جان بر کف به هموطنان و وطن خود عشق میورزیم. خاشاک نگویید. خاشاکین راهمه مردم میشناسند. خاشاکین کسانی هستند که خیاطان فرانسوی، آرایشگران خارجی، آرایشگران خارجی و مغارج روزانه اشان برابر است یا مغارج دو سال بسک دهقان... من میدانم سزای این گستاخی من بعد از دادگاه باز هم شکنجه است. بگذار شکنجه کنند، بگذار رگ و پوست مادر راه خلق فدا گردد. تا ظلم هست مبارزه هست و تا مبارزه هست شکست و پیروزی هست ولی سرانجام پیروزی متعلق به خلق است. این را من نمیگویم این را تاریخ میگوید. این را نبرد قهرمانانه خلق ویتنام میگوید... این را خلقها میگویند و خلقها حقیقت را میگویند. "و راستی امروز حقیقت گفته مهدی را. خلق قهرمانان ایران با سربا کردن ویتنام خویش نشان دادند. درود بر جانان پرافتخار رضایی ها."



مردم شادمانی بی پایان خود را از آزاد ساختن مبارزین اسیر رژیم شاه نشان میدهند.



مبارزین در بند بهنگام ترک کردن زندان رژیم شاه.



صحنه‌یی از تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران - ۲۹ مهر

اخیر...

تظارکنندگان میبویندند.

خلق دلورما ، به سروان هاشمی پست حمله میبرد ، که او و خانواده اش از شهر متواری می کردند . همچنین رئیس ساواک همدان بفریب چاقوی یک فرد مبارز شدیداً زخمی میگردد که او را برای معالجه روانه لندن میکنند . بنا بگفته خبرگزاریهای خارجی و ایرانی ویرانی باندازه‌ای بود که شهر شکل یک شهر جنگ زده بخود میگیرد . آخرین اخبار رسیده حاکی از این است که مردم همدان به سیاهچال های رژیم در این شهر حمله برده و آنرا ویران مینمایند . مبارزه چنان گسترده بوده که شهر عملاً برای مدتی در دست مردم میافتد . هنوز مبارزات گسترده مردم در این شهر ادامه دارد . افتخار بر رزمشان !

■ در طول ۱۰ روز گذشته تظاهراتهای توده ای وسیعی در سراسر ایران برپا شده که بطور مثال میتوان از تظاهرات ۲۲ شهر در روز ۶ آبان نام برد . در طی این تظاهراتها در گریبهای شدیدی میان نیروهای انتظامی رژیم و مردم رخ داد ، که به شهادت دهها نفر منجر گردید . در اکثر این تظاهرات خواست مرکزی مردم ، آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکومت نظامی بوده است .

■ کرمانشاه - بیش از ۶ روز درگیری مسلحانه و مبارزات توده ای در این شهر برقرار بوده است .

■ قم - در روز ۴ آبان ، مردم با اسلحه و بمب به مزدوران ارتش حمله میکنند که در نتیجه چند مزدور مجروح میشوند .

■ رشت - مردم به مقر فرمانداری حمله برده و آنرا داغان میکنند .

■ تهران - روز ۵ آبانماه ، تظاهرات وسیعی صورت میگیرد که طی آن یک هلی کوپتر (که از آسمان بطرف مردم گاز اشک آور پرت می نمود) بوسیله مردم به آتش کشیده میشود .

مبارزات دانشجویان و دانش آموزان

در اینجا به آوردن خبر مبارزات دانشجوین و دانش آموزان در چند روز قبیل از ۲۷ مهرماه

■ تهران - نزدیک به ۴۰۰ دانشجوی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران دست به تظاهرات زده و به پشتیبانی از مبارزات اخیر مردم ایران ، شمار آزادی زندانیان سیاسی را مطرح میکنند .

■ سازمان ملی دانشگاهیان ایران با صدور بیانیه‌ای ، هفته‌ای را که از روز ۶ آبان آغاز میشود "هفته همبستگی ملی" اعلام مینماید . از جمله خواسته‌های آن باید از : "حکومت نظامی باید لغو شود" ، "موجبات آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازگشت بی قید و شرط تبعید شدگان سیاسی فراهم گردد" و "در همه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ، گارد دانشگاه برپا شده شود و دستگاہهایی از قبیل اداره حفاظت متحل شود و حرمت محوطه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی حفظ شود" نام برد .

■ دانشجویان انستیتو تربیت مربیان امسور هنری اعتصاب نموده و خواست بازگشت خمینی و آزادی زندانیان سیاسی پیش میگذارند .

■ زنجان - بعنوان اعتراض به حادثه روز دوشنبه ۲۴ مهرماه در زنجان و گشته شدن دوجوان دانش آموزان مدارس این شهر از حضور در کلاسها خوداری مینمایند .

■ نجف آباد - دانش آموزان این شهر در ضمن تظاهرات به کامیون حامل ماوران انتظامی حمله کرده ، ۸ نفر از ماورین را زخمی می کنند .

■ از دیگر مبارزات دانشجویان و دانش آموزان میتوان از دانش آموزان دبیرستان حکیم نظامی قم ، دانشجویان دانشگاه گیلان ، دانش آموزان دبیرستان خوارزمی ، دانشجویان دانشسرای عالی

■ در سایر شهرهای ایران مبارزات توده ای وسیعی صورت گرفته است . از جمله میتوان از تویزکان ، فسا ، شیران ، شیراز ، تربت حیدریه ، سمنان ، مشهد ، شاهی ، باغ ساری ، بوشهر ، ایلام ، بهبهان ، اندیمشک ، تبریز ، فریدون کنار ، بروجرد ، اصفهان ، شهرضا ، اقلید (در استان فارس) ، محلات ، آران کاشان ، بندر بوشهر ، اهواز ، کرمان ، خمین ، سررشت ، نجف آباد ، دورود ، لرستان ، قزوین ، ورامین و بابل نام برد .

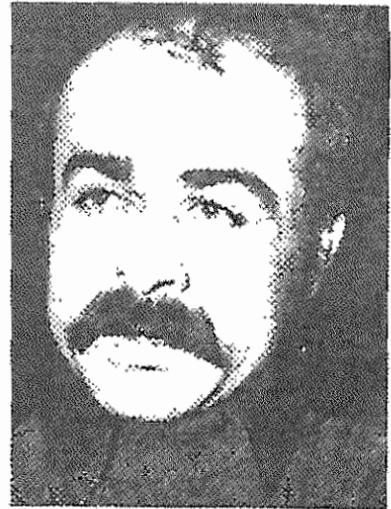
گزارشی از آزاد شدن ...

مادر گفت : " مهم نیست همه شما فرزندان من هستید ، همه شما برای ایران فداکاری کردید . مادر ، گل‌های گلایولی را که از چند ساعت پیش در دست داشت و شاید از شب پیش آنرا تا صبح در کنار خود نگهداشته بود تا به فرزندش برده به زندانی آزاد شده داد . کمی مکث کرد و گفت : امیدوارم موفق باشی . مادر برگشت و رفت هر چه در چشمانش خیره شدم اشکی ندیدم ، همه تصمیم بود ، همه محکمی... "

زندانیانی که رها گشته بودند لحظه‌ای غافل از رفقای دربند خویش که هنوز به اتمام مبارزه در راه آزادی و استقلال در سیاهچال های رژیم بسر میبردند ، نبودند . آنان مرتب تاکید میکردند : "آزادی ما به خاطر خونیهایی مردم بود ، خونیهایی که ریخته شد . ما خواستار آزادی دستجمعی همه برادران و خواهران خود هستیم . تمام خواهران و برادران ، تمام زندانیان سیاسی که شرایط مشابهی نظیر ما دارند و دستگیر شده‌اند . ما همگام با تمام مردم ایران آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی را میخواهیم . " دیگری خطاب به مردم می گفت : "ملت زحمتکش ایران که همواره در گردباد حوادث فرزندان بزرگی را در دام خود پرورده‌اید ، من آزادی خودم را مدیون این فرزندان رشید میدانم . "

براستی که محیط شگفتی بود . محیط شادی ، محیط مبارزه ، محیط غم هزاران رزمجوی دیگری که هنوز در سیاهچالها به غل و زنجیرند ، محیط انباشته از نفرت ضد رژیم و خاطره‌ویاد کسانی که در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها شهیدوار شدند ، محیط ادامه مبارزه برای رهایی از زندان بزرگی به نام ایران که توسط خون خوارترین امپریالیسم جهانی و نوکران بومیش ، آمریکا - شاه ساخته شده ، برای ساختن ایرانی آزاد و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق . بیشتر زندانیان لحظه‌ای درنگ نکردند و عازم دانشگاه تهران شدند . در آنجا تجمع وسیعی تشکیل شده بود . فریاد "مرگ بر شاه" از طرفی و فریاد "زندانی سیاسی ، درود خلق ایران ، بر تو باد" از طرف دیگر بلند بود . زندانیان سیاسی همانگونه که در درون زندان منگراهی تخمیرناپذیری با مبارزات خویش ساخته بودند ، بمحض خروج از زندان به مردم پیوستند . آنان پلنگان رزم دیده جنبشند . شیران رها گشته از بند ، انقلابیون سازمان افسری حزب توده ، افسران میهن پرست و آزادی خواه و مبارزی که یکسال بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ آمریکا - شاه ، دستگیر و زندانی شدند ،

نمونه خوبی از این دلوری و پایدارپند ، در روزنامه‌ها نوشتند : " برای آزادی افسران زندانی طی سالها ، چندین بار از سوی مسئولان و مقامهای مملکتی با آنها مذاکره شد ، همگی گفتند نه ، و در پی هر بار مذاکره به زندان شیری و از آنجا به شهر دیگری تبعید شدند . از قول یکی از افسران زندانی که از احترام بسیار همه زندانیان برخوردار است ، نقل میکند ، که در یکی از مذاکرات از وی سؤال کردند : اگر آزاد شوی چه میکنی ؟ گفت این ارتباط به هیئت حاکمه ندارد . برو پاسخ را به آنان بگو خودشان متوجه میشوند افسران پس از آزادی چه میکنند ! " این گفته‌ها یاد افسران شهید را در برخورد به رژیم زنده میکشد ، سرگرد و ز- پریان در آخرین لحظات حیات هنگامیکه میخواهند چشمان او را ببندند به دژخیمان چنین گفت : " چشمان مرا نبندید میخواهم در دم مرگ لرزش دستهای شما را ببینم . " وقتی به سرگرد و کیلی این مبارز تسلیم نشدنی اطلاع دادند که حکم اعدام او صادر گردیده است ولی او میتواند از شاه تقاضای بخشایش کند ، او با سر بلندی جواب داد : " من جانم را در راه میهن خود فدا میکنم . چطور ممکن است از شاه که او را خائن به میهن عزیزم میدانم تقاضای عفو کنم . " سرهنگ میشری در نامه‌ای سی به همسر خود چنین نوشت : " من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سودا و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می شوم ، این مرگ ، مرگ شرفمندانه است . " و بالاخره روزبه قهرمان حماسه آفرین و رهبر این سازمان گفت : ... انسانی که بخاطر آرمانهای سیاسی واجتماعی خود شربت شهادت را مینوشد راه خوب مردن را بلد است . " ایشان آن لکه سنگی را کسه رهبران سازشکار و تسلیم طلب حزب توده بر داد . من جنبش ما زندان با خون خود در زیر شکنجه میدان تیر ، پاک کردند . مابقی مبارزین ما - زمان افسری " همان راه پر افتخار را در زندان ان دنبال نمودند و بخاطر متافع خلق رنجبر ایران پایداری و مقاومت بی نظیر از خود نشان دادند . درود خلق ایران بر شما باد . یکی دیگر از انقلابیون ارزشمند ایران که پس از رهایی بلافاصله به مبارزه مردم در بیرون زندان پیوست ، ناصر کاغذاز است . ناصر و کامرا از میان مردم برخاستند و برای مردم و بخاطر منافع مردم و برای رهایی مردم مبارزه کردند . جایشان نیز در بین توده و آغوش بقیه در صفحه ۲۰



خسرو گل سرخی

گل سرخی و دانشیان از شهدای حماسه آفرین و از فرزندان دلاور انقلاب خونین ایرانند. گل سرخی و دانشیان نیز پس از تحمل شکنجه های فراوان در سیاهچال های رژیم، بسا ایمانی راسخ و استوار به انقلاب زحمتکشان و پیروزی آن، در میدان های تیر رژیم شاه جلاد تیرباران شدند.

گل سرخی و دانشیان از انقلابیون بزرگ ایران بودند که سال های زندگیشان را در خدمت زحمتکشان ایران نهاده و پیگیرانه در راه تحقق آرمان مردم ستمدیده ایران مبارزه کردند.

رفیق خسرو گل سرخی نویسنده و شاعر و روزنامه نگار، بخلاف بسیاری دیگر که در دوران فشار و خفقان سال های پس از "انقلاب سفید" در مدح و شای رژیم پوسیده شاه، از یکدیگر گوی سبقت می ربودند، به افشای این نظام دست زد و قاطعانه در برابر آن ایستاد. نوشته های گل سرخی هر یک تیری بود که قلب ارتجاع ایران را سانه می رفت و دزد دل توده مردم نور آگاهی را می پراکند.

رفیق کرامت اله دانشیان نیز دارای سوابق درخشان مبارزه سیاسی بوده و قبلا یک بار دستگیر شده و مدتی را در زندان بسر برده بود. این دو رفیق به تشکیل گروهی انقلابی همت گماشتند تا هر چه بهتر وظایف انقلابی خود را جامه عمل ببوشانند. این گروه در سال ۵۲ بدست پلیس دستگیر شده و عناصر انقلابی تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قتل قرار گرفتند. در "دادگاہی" که برای این گروه

تشکیل شد، علیرغم خیانت چند نفر که به بلند گوی ساواک تبدیل شده بودند، رفقا گل سرخی و دانشیان قاطعانه از خلق و آرمان های خود دفاع کردند.

گل سرخی در بیدادگاه رژیم گفت: "جامعه ایران باید بداند که من در اینجا صرفاً بخاطر داشتن افکار مارکسیستی محاکمه میشوم و در دادگاه نظامی محکوم به مرگ گشته ام... من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به تریبیست اسلام ارج بسیار میگذارم معتقدم که در هیچ کجای دنیا در کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار، حکومت ملی نمیتواند وجود داشته باشد. من پیرو مکتب انسانیت هستم و مارکسیسم لنینیسم را قبول دارم."

دانشیان نیز که بزرگ وحشیانه ترین شکنجه ها کشیده شده بود، در بیدادگاه نظامی گفت: "اگر وحشتی از نیروی انقلابی و مبارزات مردمی ندارید و در واقع بمرگ طبقه حاکم بر ایران مومن نیستید تاریخ این واقعیت را نشانتان داند و خواهد داد. ایمان به پیروزی جنبش نوین ایران و سراسر جوامع طبقاتی جهان عظیمترین قدرت است. و این را هم بگویم که مارکسیسم هیچگاه مورد خوشایند طبقات حاکمو و استگنان آنان نیست. مردم ویتنام - پوزره ب-۵۲ های آمریکا لیرا بخاک مالیدند چرا نباید مردم ایران حکومت ارتجاعی را براندازند... دادگاه اول بنا به شرایط حاکم بر آن دفاع مرا ناتمام شنید."

براستی که ایمان آنان به جنبش زحمت کشان خدشه ناپذیر بود. شکنجه گران رژیم، تمام کوشش های جنایتکارانه خود را بکار بردند تا از گل سرخی توبه نامه گرفته و برای خود آژیتاسیون تبلیغاتی تلویزیونی راه بیندازند، لیکن خودشان بزانو درآمدند. حتی پس از زدن گاه فرمایشی و در دست داشتن حکم اعدام آنان چشمهای گل سرخی را از حدقه درآوردند و معلوم نیست که جسد بیجان این رفیق را تیرباران کردند یا جسد نیمه جان را. بهر حال است در مقابل اراده پولادین این فرزندان زحمتکشان ایران، این رژیم بود که شکست خورد و در حالی که پروژه اش بخاک مالیده شده بود، از پای درآمد. مردم ایران هر سال بیاس دلاوری آنان در سالگرد شهادتشان بر سینه های خود گل سرخ می زنند. گل سرخی و دانشیان جاودان خواهند ماند و زحمتکشان ایران بخاطر کسب آزادی و استقلال گل سرخیها را سرمشق خود قرار داده و راهشان را میپویند.

گزارشی از آزاد شدن... گرم زحمتکشان قهرمان ایران است. بسیاری از زندانیان سیاسی خانه نرفته به دانشگاه رفته و به جمع مبارزاتی آنجا پیوستند. فریب داد



بهرروز دهقانی

یکی از انقلابیون رزمنده و بزرگ جنبش خلق ایران بهروز دهقانی است. بهروز نیز از جمله کسانی است که بخاطر آرمان های والای خلق در زیر شکنجه های دشمنان ساواک شهید گردید. خواهر مبارز او اشرف دهقانی در تشریح وقایع زندان در کتاب "حماسه مقاومت" میگوید: "... دوستی که رفیق را بوقوع شکنجه دادن دیده بود، تعریف میکرد که چگونه شکنجه گران در حالیکه با حوض دیونوشه و آوری او را شکنجه میکردند و از خشم ناشی از شکسته شدن غرور خویش بخود میپیچیدند بنا ناامیدی تمام میافروختند... پس تو با کدام شکنجه بحرف در میآیی؟ دیگر چه شکنجه ای را باید بکار ببریم که تو حرف بزنی!... رفیق بهر حال یازده روز بعد از دستگیری، با تحمل وحشیانه ترین شکنجه ها بر اثر اینکه چادرهای کلیه هایش از شدت ضربات مشت و لگد پاره شده و خون داخل ادرارش گردیده و همچنین بعلت آسیب دیدن قلبش، شهید شد. جنایتکاران چند ساعت قبل از شهادت اش با عجله او را به بیمارستان

درود، درود، درود، که بزندانیان داده میشد فضا را پر کرده بود. زندانیان سیاسی ایران بخاطر مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران و برای سرنگونی رژیم شاه به زنجیر کشیده شدند، و اکنون که رژیم در اثر مبارزات قهرآمیز مردم عقبنشینی کرده، همان راه را ادامه میدهند. مردم ایران امروز میدانند، که این عقب نشینی ها موقتی و زود گذر است. به محض اینکه رژیم زخم خورده بتواند تجدید قوا کند، مجدداً گشت وگشتار و بگیر و ببند و شکنجه را از نو آغاز مینماید. این تجربه مستقیم مردم قهرمان ایران و زندانیان سیاسی ایران است. مردم تاریخ را فراموش نکرده و نمیکنند و هم چنان برای پیروزی قطعی و نهایی میروزمند. درود به مقاومت زندانیان سیاسی! درود به خلق قهرمانی که با تیر و ی مبارزات قهری خود فرزندان جسور خویش را از جنگ رژیم خونخوار شاه بدر آوردند.

درود به رزم دلاورانه خلقی قهرمان که امروز با پیگیری بینظیر خود تحسین همه جهان نیان را در راه بزرگ انقلاب ایران برانگیخته و راه درست برقراری آزادی و استقلال و جمهوری دمکراتیک خلق را نشان دادند.

رساندند، که شاید بتوانند زنده نگه دارند. ولی دیر جنبیده بودند. رفیق قهرمان در بیما رستان به شهیدان فراموش نشدنی راه را یکی خلق های ستمکش میپویند. همچنانکه پیوسته آرزو میکرد. در مورد شکنجه های او بعد ها خیلی چیز ها شنیدیم. چند نفری میگفتند پای او را از زانو با اهر بریده اند. کسانی هم میگفتند که فقط انگشتانش را قطع کرده اند. ولی بهر حال یکی از شکنجه های این جانبیان پست در مورد او حاجاکردن پای شکسته اش، توام با شلاق بود. رفیق بهروز که آتش عشق اش به توده رنج کشیده همواره چون آتش فروزان در دلش شعله ور بود، این چنین دشمن را در مقابل ایمان محکم و خدشه ناپذیر و اراده پولادین خود بزانو درآورد. او انسان آگاهی بود که دردهای خلق را میشناخت و راه علاج آنها را نیز میدانست. همه چیز خود را در راه انقلاب فدا کردن و از همه لحظات زندگی برای بشمار رساندن انقلاب استفاده کردن. و او همیشه برای خلق زیسته بود و لحظه ای از آنها جدا نشود. او که در تمام عمرش از همان کودکی کینه دشمن را در دل خو سخت پرورانده بود، با آن خشم بزرگ انقلابی چگونه میتوانست این چنین نکند؟! "

بهرروز دلیر کینه و خشمش به رژیم را در دوران زندگی طولانی اش در میان توده زحمتکش و فقیری که تحت ستم و استثمار حکومت مرتجع و مزدور شاه قرار داشت، پرورانده بسود. بهروز که خود از خانواده کارگری آمده بود، مدتی درد و رنج خلق را خوب میفهمید. خانواد دهان دارای سنت های مبارزاتی بود، پدر مبارز در سال های ۲۵-۲۴ و در قیام خلق آذربایجان فعالانه در جنبش و صف خلق مبارزه میکرد.

رفیق بهروز در شرایط سختی که خانواده در آن قرار داشت هم در حقیقت وظیفه کمک به خانواده را داشت و هم به مبارزه مشغول بود. او به همراه رفیق انقلابی صمد بهرنکی، سازمان ندهی فعالیت سیاسی برداشته و در عین حال بعنوان معلم روستاهای آذربایجان به آموزش فرزندان ایران و پرورش آنان در راه خدمت به انقلاب مشغول بودند. رفیق بهروز عضو سازمان چریک های فدایی خلق بود و در اردیبهشت سال ۵۵ دستگیر و در زیر شکنجه شهید گردید. نام بهروز هیچگاه از خاطره ها نخواهد رفت و زحمتکشان ایران پاسخ شایسته ای به عا ملین این جنایت بزرگ خواهند داد.



صحنه ای از مبارزات مردم در چهلم جمعه خونین (تهران - بهشت زهرا - ۲۴ مهر)

اخبار...

کارمندان پست و کارکنان اداره کل امور اقتصادی و دارایی همدان به اعتصاب می-پردازند.

های تعاونی و شهر و روستا و... با اعتصاب و شیوه های کندکاری دست میزنند.

اصفهان - اعتصاب های توده ای وسیع کارگران و کارمندان (۳۰ هزار نفر) ذوب آهن، کارمندان دخیان اصفهان، کارکنان پست، تعداد وسیعی از رانندگان تاکسی و... صورت میگیرد.

قصر شیرین - کارکنان اداره دامپزشکی قصر شیرین، سرپل ذهاب و گیلانغرب همزمان با سایر ادارات دامپزشکی و کادر کشتارگاه در سطح استان، کارکنان پست و اداره تعاون و امور روستاها به اعتصاب پرداخته اند.

این تازه بخشی کوچک از مجموعه اعتصابی است که در عرصه میهن در عرض ۱۰ روز و ۲۳ مهر تا ۴ آبان صورت گرفته است. از عظمت این اعتصابات همین بس که جریده اطلاعات صحبت از دست از اعتصاب کشیدن موقت ۱۵۰ هزار کارگر نساجی می نماید. و بنا به خبر نشریات امپریالیستی تاکنون رژیم پرداخت ۴ بیلیون دلار، یعنی معادل یکدهم بودجه ایران، را به

مبارزات توده ای در شهرهای مختلف

زنجان - در روز ۲۹ مهرماه، در پی چند روز اعتصاب و تظاهرات مردم زنجان تظاهراتی با شرکت ۶ هزار نفر از اقشار و طبقات مختلف و روحانیون مبارز صورت میگیرد. در طی این تظاهرات جوان ۱۷ ساله ای شهید میگردد. به دنبال این واقعه، در روز ۵ آبان، نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر از مردم این شهر تظاهرات و راهپیمایی بزرگی برگزار میکنند. طی این مبارزات توده ای، بسیاری از ساختمانهای دولتی و از جمله خانه شهردار، بانکها، سینماها و مقر فرمانداری، اسکان بدست توانای مردم به آتش کشیده میشود.

این مبارزات در روزهای بعد نیز ادامه یافته و تعداد بیشتری از مراکز دولتی و فساد به آتش کشیده میشوند. شمارهای مردم در این تظاهرات لغو حکومت نظامی و آزادی زندانیان سیاسی بوده است.

دزفول - مردم دلیر دزفول در چندین هفته اخیر تظاهرات و نعیاشات بسیاری را بر پا نموده اند. در تاریخ ۲۴ مهرماه تظاهراتی با شرکت ۳۰ هزار نفر از مردم این شهر برگزار میگردد. این مبارزات آنچنان خونین میگردد که به شهید شدن حداقل ۵ نفر منجر شد. ولی مبارزه مردم برای خونخواهی و یکسره کردن کار خود با رژیم مزدور ادامه مییابد و از جمله مراکز دولتی و ساواک در این شهر به آتش کشیده میشود.

۲۶ مهر، شهر تعطیل عمومی اعلام میگردد. در روز ۳۰ مهر مردم در شرف برگزاری تظاهرات خود بودند، که با حمله مزدوران رژیم روبرو شدند، و در نتیجه زد و خورد ۵ نفر دیگر و از جمله دو تن جوان ۹ و ۱۰ ساله شهید میگردد. در ادامه این کشتار مردم دست از مبارزه نکشیده و روز ۲ آبان در جریان تظاهرات خود ۲۴ شعبه بانک، چند اداره دولتی و مراکز ساواک را به آتش میکشند. آخربسن اخبار حاکی از آنست که دزفول کماکان صحنه مبارزه قهرمانانه مردم این شهر است.

چهرم - در روز ۴ آبان در چهرم مبارزات بسیار وسیع و گسترده ای رخ داد که در آن دهها هزار نفر شرکت داشته اند. مردم دلیر چهرم در طی این تظاهرات مواجه با خروج رئیس فاشیست شهرپاشی چهرم، سرهنگ کمال تصاعی، و فرمانده جلاذ حکومت نظامی، سرتیپ احمد نادور، از مجلس چشنی که برای تولد نحس شاه خونخوار تهیه دیده بودند، شدند. مردم در جا و بموقع



گوشه ای از مبارزات قهرمانانه مردم رضائیه - ۹ مهر.

کارگران و کارمندان وعده داده است.

مبارزات توده ای در شهرهای مختلف

سزای این نوکرمندی را با شلیک گلوله بطرف این دو خاشن کف دستشان میگذارند، که منجر به مرگ رئیس شهرپاشی زخمی شدن فرماندار میگردد. شایع است که سرباز میهن پرستی دست به این عمل انقلابی زده است. مبارزات قهرمانانه مردم چهرم همچنان ادامه دارد.

گرگان - مردم دلیر این شهر از اوایل مهرماه مبارزات پی در پی خود را آغاز کردند و در روز ۳ آبان، تظاهرات ۳۰ هزار نفری برپا نمودند که در طی درگیریهای مسلحانه با ارتش تعدادی شهید شدند. در ادامه این مبارزه مردم مراکز ساواک و دولتی را به آتش کشیدند. این تظاهرات حتی در طول شب نیز ادامه داشت.

خرم آباد - از ۲۶ مهرماه در خرم آباد تظاهرات متعددی برگزار گردید که تنها در روز ۳ آبان در یکی از تظاهرات ۲۰ هزار نفر شرکت داشته اند. این تظاهرات با شکوه منجر به کشته شدن حداقل یک ساواکی مزدور بدست پرتوای مردم شده است.

آمل - شهر آمل بدنبال مبارزات درخشان چندین روزه خود در روز ۶ آبان تحت کنترل شدید مردم غیور و دلور قرار میگردد. و باز هم هرچه بیشتر لریزه براندام محمد رضاشاه انداخته و ناقوس مرگش را رساتر سر میدهد. مردم غیور آمل تظاهرات چند ده هزار نفری خود را با شعارهای " تا مرگ دیکتاتورها تا سرنگونی رژیم شاه نهفت ادامه دارد"، " کارگر، دهقان، دانشجو پیروز است"، " درود بر اتحاد کمونیستها و مسلمانان"، " ما فرزندان حسینیم"، " درود بر خمینی"، " ما فرزندان فلسطینیم"، " ما ملت آزادییم ما شاه نمیخواهیم"، به اوج خود رسانده و بمحض رسیدن به جلوی هتل بزرگ شهر آمل (مرکز فساد در این شهر) رفته و فریاد میزنند که این هتل متعلق به دولت است و باید آنرا داغان کرد. بمحض اینکه یکی از تظاهرکنندگان فریاد میزند: حمله کنید، مردم به هتل حمله برده و آنرا با خاک یکسان میکنند. سپس مردم به مقابل دادگستری رسیده و آنرا به آتش میکنند. در ادامه راه به مقابل بنای برجما- نندی که بر روی آن منشور، سنگین و منفسور " انقلاب سفید" حک شده، میروند و آنرا از جا کنده و خرد میکنند. در مقابل هتل معروف آمل که با خاک یکسان میشود، مجسمه شاه را از جا آورده و در رودخانه هراز میاندازند. خیرهای رسیده حاکی از آنست که مردم کنترل شهر را به دست خود گرفته اند.

همدان - شهر همدان در روز ۳۰ مهر شاهد یکی از دلورانه ترین و خونت آمیزترین بر- خوردها بین دهها هزار نفر از مردم دلور همدان با نیروهای مزدور پلیس و ارتش بود.

تظاهرات از ساعت ۸/۵ صبح ایسن روز، توسط ۱۵ هزار دانش آموز، بازاری، کسبه، زحمتکشان روستائی و کارگران آغاز میگردد.

اما جرقه ای که همدان را به شعله آتش تبدیل ساخت جنایت مزدوران محمدرضاشاه بود.

شرح این جنایت چنین است: مهین اردکانسی دانش آموز سال اول نظری (۱۵ ساله) دبیرستان پروین اعتصامی در تظاهراتی که چند روز قبل از شروع همدان صورت گرفته بود، توسط عمال رژیم دستگیر میگردد و پس از چند روز که آزاد می-شود، دست به انتحار میزند. این لاله جوان آزادی و استقلال در نامه ای که از خود بجای- گذارد، انگیزه این خودکشی را تجاوز مامور پست شاه، سروان هاشمی در حین دستگیری در زندان میگوید. بنابه اخبار رسیده علاوه بر او دو دختر جوان دیگری که دستگیر شده بودند مورد تجاوز مزدوران پست قرار میگیرند.

در پس این حادثه شوم و نفرت انگیز بستگان مهین کرد در حالیکه لباسهای او را در دست داشتند مقابل دبیرستان پروین اعتصامی رفته و نفرت و انزجاری که تمام وجودشان را فرا گرفته بود، برآز مینمایند. و حقا که مردم دلیر و قهرمان همدان همبستگی خود را، بسا تظاهراتی پرشور خود و بجا گذاردن دهها شهید نشان میدهند.

در خیابان شاهپور همدان دقیقه بدقیقه به تظاهر کنندگان جان باخته و غیور اضافه میگشت، ساعت ۱۱ با مداد در حالیکه کامیونهای ملو از مزدوران جلاذ رژیم جلوی صف تظاهرات را سد می نمایند، بلافاصله تظاهرات به مسلسل بسته می-شود و باین ترتیب بیش از ۱۵۰ نفر به خون کشیده میشوند که حداقل در میان شهدا ۱۱ نفر از مردم روستاهای اطراف بوده اند. در اثر این کشتار، جمعیت نفرت خود را با خشم بیشتر نمایان ساخته و نرده های کنار خیابان شاهپور را از جا کنده و خیابان را با میله ها، برای معانعت از حرکت ماشینهای مزدوران ارتجاع، مسدود مینمایند و دست به مبارزه قهرآمیز خیابانی میزنند.

مردم سپس با بستن سنگریه مقابل چندین ساعتی با ماموران دژخیم شاه دست میزنند. حداقل یک نفر از نیروهای ارتجاع در ایسن جریان به سزای اعمالش میرسد. سپس تظاهرات دامنه وسیعتری به خود میگیرد، بطوریکه تمام کسبه همدان مغازه ها را بسته و به صفوف

بقیه در صفحه ۱۹

مبارزات از مبارزات...

زندانیان سیاسی در اکثر نقاط ایران، در پشتیبانی، همپاشی و اعتراض به برنامهای ارتجاع ایران، کشتارهای اخیر و حکومت نظامی دست به اعتصاب غذای طولانی زدند:

۲۶ مهرماه

در این روز خانواده های زندانیان سیاسی، نامه ای را از طرف زندانیان سیاسی ایران توزیع نمودند. در طی این نامه زندانیان سیاسی خواهشهای خود را مبنی بر لغو حکومت نظامی و همچنین اعتراض به جنایت های اخیر رژیم، اعلام کرده اند.

عده ای از بستگان زندانیان سیاسی در اعتراض به اراجیف روزنامه های رژیم، که نوشته بودند زندانیان سیاسی بند زنان زندان قصر درخواست تجدید محاکمه کرده اند، اعلام می- نمایند که اعتصاب غذای زندانیان زن صرفا، در همبستگی با مبارزات مردم جهت احقاق حقوق حقه خویش و در همدردی با خانواده های شهدا و اعتراض به کشتار حکومت نظامی بوده است.

در همین روز، بهنگام اعتصاب کارکنان

و کارمندان روزنامه کیهان، خانواده های زندانیان بمان آنان رفته و خواسته های زندانیان سیاسی را با آنان در میان میگذارند.

۹ تن از زندانیان سیاسی ساوه در همبستگی با مبارزات مردم، دست به اعتصاب غذا میزنند

زندانیان سیاسی در تبریز نیز در همین روز، در همبستگی با مبارزات خونین مردم در شهرهای ایران، اعتراض به حکومت نظامی و

کشتارهای اخیر، بمدت یک هفته (از ۲۵ مهرماه) اعلام اعتصاب غذا مینمایند.

زندانیان سیاسی اصفهان در همبستگی بسا سایر زندانیان سیاسی و خواسته های مبارزات مردم و سر علیه پرونده سازیهای قلابی مزدوران رژیم بر علیه آنان، دست به اعتصاب غذا می-زنند.

خانواده های زندانیان سیاسی اهواز اعلام مینمایند که عزیزانشان در اعتراض به کشتارهای رژیم و حکومت نظامی، بمدت ۴ روز اعتصاب غذا خواهند کرد. آنان همچنین خواسته های بحق خود را مبنی بر آزادی بدون قید و شرط زندانیانشان طرح نمودند.

۲۴ نفر از زندانیان سیاسی زندان شهربانی رشت در همبستگی با خواهشهای مردم دست به اعتصاب غذا میزنند.

زندانیان عادل آباد شیراز و قزل حصار کرج همپا با سایر زندانیان سیاسی، اعتصاب غذا میکنند.

زندانیان سیاسی قزل حصار کرج که قرار بود روز نحس ۴ آبان آزاد شوند، اعلام مینمایند که در این روز زندان را ترک نخواهند گفت و علت آنرا چنین طرح میکنند که نمسی- خواهند آزادیشان بعنوان "عفو" قلمداد کرد. تعداد زیادی از زندانیان سیاسی نیز که قرار بوده است آزاد شوند، اعلام نمودند که تا زمانیکه کلیه زندانیان سیاسی آزاد نشوند، در زندانها خواهند ماند. و بدین گونه عزم و اراده آهنین خود را محکم بر فرق ارتجاع منزلزل و ملعون محمد رضاشاهی کوبیدند.

رژمان پیروز باد. شعار آزادی کلیه زندانیان سیاسی، همراه با شعار برچیدن حکومت نظامی، در واقع به مرکزی ترین شعار مبارزاتی گروهها و رده های مختلف توده مردم تبدیل شد. اتحاد عمل توده در مبارزه را بوجه شایانی بگرد این شعارهای روز میتوان ملاحظه کرد. نمونه های بسیاری از مبارزات مردم به کرد این خواستها را در گزارشات مبارزات قشرها و طبقات مختلف مردم میتوان ملاحظه نمود.



غنی بلوریان

آنچه در زیر می‌آید، مختصری است از زندگی و مبارزات رفیق " غنی بلوریان " یکی از قدیمیترین زندانیان سیاسی ایران . رفیق بلوریان بیش از ۲۶ سال را در زندانهای رژیم شاه گذرانده و کماکان به مبارزه قاطع خودبر علیه رژیم ادامه میدهد. این نوشته توسط یکی از همزنجیران سابق وی تهیه شده است .

هرگاه به بندی که اوزندانی است منتقل شوی ، خیلی از زندانیان برای آشنایی واحوال بررسی به بازدید تو خواهند آمد ، او هم خواهد آمد ، با آن موهای سپید نقره‌ای قامو آن دهان همیشه خندان ، با چشمانی درخشان و گویا ، که خیره خیره با مهربانی بر تو می‌نگرد ، او بیش از هر زندانی قدیمی دیگر ، با تو دوست و نزدیک خواهد شد . سالهای طولانی زندان ، ظلمت و بر روح شادابی وارد نساخه ، او با همه مهربانی است . داستانهایی ، از سرزمین دلیر پسرور کردستان ، از مردم ساده و صمیمی آن دیار و از تاریخ تهنش ، جزا میخواند روزها و هفته‌ها بخود مشغول دارد . از سرگذشت خودتی نیز که در پیوند با مبارزات خلق کرد است ، با قزوقتی حکایت خواهد کرد :

" دوران کودکی و بیخبری را رها کنیم . بگذار از نوجوانی بگویم ، دوره‌ای کنه اوج مبارزات کردستان بوده سال ۱۳۴۴ . در این سال با بعضی از هم سن و سالهای خودم از طرف حکومت ملی کردستان برای تحصیل به خارج از ایران اعزام شدم . پس از حمله ارتجاع بسنه آذربایجان و کردستان و عقب‌نشینی نهضت ، ما هم به ایران باز گشتیم . از آنوقت تا سال ۱۳۴۷ دوبار بعلت فعالیتهای سیاسی که داشتم مجموعاً ۵ سال زندانی شدم . "

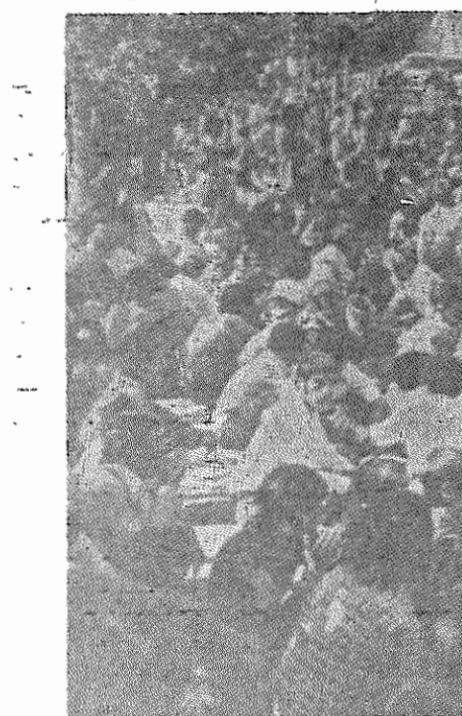
بعد ، از دستگیری خودتی و رفقاییش ، که بیشتر از ژوستاییان کرد بودند ، مطلع میشوی این حادثه در ۱۳۴۷ اتفاق می‌افتد . آنها بیش از صد نفر بودند . همه ، بخصوص او و عزیز یوسفی را شکنجه میکنند . بازجویان نظامی و شکنجه‌گران ساواک ، روستاییان غیور کرده را - عزیزان کرده ، بصورت دایره ، آنها را در حیاط قزل قلعه ، جمع کرده ، بریدتهای لخت ایشان چوب و شلاق میکوفتنند . شکنجه‌چیان که از این روستاییان شجاع مدرکی نداختنند ، در حبس شکنجه از ایشان میخواستند به خاندان سنگین پهلوی توهین کرده و " بزگ بز شاه " بگویند تا از زبان آنها در پرونده قید شود تا بسنه این وسیله " جرم " ایشان محرز گردد . پس از آنکه باین ترتیب ، پرونده " تکمیل " میشود ، همه را به دادگاه فرمایشی نظامی ، محول ، و رفقا غنی بلوریان و عزیز یوسفی به اعدام ، و باقی

بقیه در صفحه ۶



مردم قهرمان آمل در صحنه‌یی از مبارزات پرشور خود - ۲۵ مهر .

با بارگاد در آبادان ، اعتصاب کارگران گمرک کارخانه سیمان بهبهان ، دخانیات خوزستان ، کارکنان سازمان آب ، کارگران و پرستاران و کمک پرستاران و کادر اداری شیرو خورشید مسجد سلیمان ، ۴۰۰ نفر از کارگران تخلیه و بارگیری و واحدهای دریایی و بندر و کشتی - رانی خرمشهر ، کارگران شرکتهای کشت و صنعت خوزستان و کارگران و کارمندان شرکت انگلیسی " پاسترویلز " در آبادان ، گیساران و خرمشهر دست به اعتصاب زده‌اند .



کارگران و کارمندان کشتی سازی طلیح فارس و دبیران و دانش آموزان مرکز تربیت معلم بندر لنگه دست به اعتصاب زده‌اند .

شاهد - کارمندان تعاون امور روستایی اعتصاب کارکنان ادارات امور اقتصادی و دارایی ، کارکنان آستان قدس رفوی ، کارکنان پزشکیان و پزشکان و پرستاران مرکز پزشکی شهنا زیپهلوی ، کارمندان اداره دیجیسی استان خراسان ، کارکنان شهرداری و بیمارستان ششم بهمن ، هزاران نفر از کارکنان آتش نشانی ، فضای سبز بهشت هشتاد و رفتگران شهرداری مشهد ، گیسار

آموزان کانون کور آموزی و کارخانه تخریبی و نساجی شیروی مشهد به اعتصاب دست میزنند .

سنندج - در این شهر کارگران و کارمندان آن اداره گل پست استان گل کردستان ، کارمندان آن دخانیات منطقه ای استان ، کارکنان و کارمندان شرکت عمران منطقه ای غرب و کارکنان فروشگاه خوزستان - در اهواز کارمندان کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای بار دوم (بتاریخ ۲۳ مهرماه) ، کارگران کاغذ سازیها ، سازمان تعاون روستایی خوزستان ، کارکنان کارخانه

اخبار ...

بزرگ کارکنان جمعیت شیرو خورشید استان بزرگ کارکنان پست کارکنان سازمان تعاون روستایی استان بزرگ واحدهای بزرگ ریسندگی و بافندگی ، دانشجویان استیضوی تکنولوژی و مرکز تربیت معلم فنی و حرفه‌ای ، کارکنان حوزه ذوب آهن بافق ، دوقوارنفر از کارگران کارخانه‌های بزرگ بافق و اخشار بزرگ دست از کار کشیده‌اند .

نرمستان - کارکنان اداره پست کارمندان سازمان تعاون روستایی ، سازمان دفاع غیر نظامی ، دانشجویان دانشگاه رازی و علوم پزشکی اعتصاب ۱۵ نفر از کارکنان منطقه ای بهداشتی و بهزیستی کرمانشاهان و کارکنان برق منطقه ای غربیه ، دست به اعتصاب می‌زنند .

بندرعباس - برخی از اعتصابات کارگران و کارمندان در این شهر عبارتند از : کارکنان گمرک ، کارکنان اداره تعاون و امور روستا ، کارمندان سر جنگلداری اداره کشاورزی و منابع طبیعی ، دانشجویان استیضوی تکنولوژی ، دبیران دبیرستانهای این سینا ، هفده دی ، ششم بهمن ،

مردم زنجان دلیرانه در راه انقلاب ایران پیکار میکنند - ۲۵ مهر .

مستحکم باد وحدت نیروها ی انقلابی خلق !



سید محسن

از چهره‌های فراموش‌نشده و جاویدوار انقلاب ایران سید محسن است. او در سال ۱۳۱۸ در یک خانواده از قشر متوسط در زجان بدنیا آمد و همان‌جا به مدرسه رفت تا دیپلم گرفت. در محیط اجتماعی خود بزرگ شد و نابسمانی‌ها و فقر فلاکت مردم در او تاثیر زیادی گذاشت. برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در سال ۴۲ از دانشکده فنی در رشته تاسیسات مهندسی شد. دوران دانشجویی سید مصادف با سالهای ۳۹ تا ۴۲ و فعالیت‌های نهضت آزادی و جبهه ملی بود. او بخاطر فعالیت‌های سیاسی دوبار بزندان افتاد که بار دوم بعنوان عضو کمیته دانشجویان نهضت آزادی شب اول بهمن ماه ۴۰ (که فردایش پلیس به دانشگاه حمله کرد) همراه عده‌ای دیگر دستگیر شد و پس از چندی آزاد گردید. سید کوشید که به نهضت آزادی برای ادامه مبارزه اش پیوسته بماند، لیکن بعد از ۱۵ خرداد و کشتار رژیم دریافت کرد بدون یکا برود قهر انقلابی و انقلاب بوده ای زحمتکش را می‌توان پیروزی بر دشمن نیست. همین خاطر از نهضت آزادی جدا گشت و یکی از مؤسسان سازمان مجاهدین ملیست. سید در مقابل هیئت دولت شرایط سخت و دشواری اعلام برزیبیدی دقیق بین جنبش و جنبش است. بعد از این مری بین جنبش و قد جنبش ، انقلاب و ضد انقلاب خود دلیل بر تکان مبارزه است. زیرا تنها در چنین پورتی است که برای فریت طلایی و باز شکاری محلی باقی نخواهد ماند. در پیدا نگاه نظامی رژیم گیت "سینتر ثا سیمت" پادشاهان بی‌توان بوسیده ترین سیستمهاست که عمیر تاریخی آن پسر آمده است. در چنین شرایطی ملتی در نهایت فشار و سختی در انتظار طلوع آفتاب خویش است و اراده اش را جزم میکند تا پایه‌های یونانی سلطنت ۲۵۰ ساله را ویران کند. نماید و در برابر عزم آهنین سیستم مترقی و دمکراتیکی بسازد تا انبوه ملت بسودن تبعیض طبقه‌ای بر طبقه دیگر دوران سازندگی خود را شروع کند ... ملت به بهترین وضعی پی برده است که سیستم حاکم قدرت حل مسائل او را ندارد و بلکه عامل اصلی بدبختی اوست و در روشنی تجربه کرده است که دشمن یا تمام نیروی ظاهریش جز به سرنیزه خارجی متکی نیست که دوام آن نیز همیشگی نمیباشد. بعد از ویتنام ، کوبا ، الجزایر و فلسطین راه جدید او را نشان داده است.

مجاهدین در مورد سید میگویند "سید براستی مجاهد بود. از اول شهریور ۵۰ که با سارت پلیس در آمد تا چهارم خرداد ۵۱ که بشهادت رسید بدقت چه با بز او گذشت ، کسی نمیداند . حسن قدر مسلم است که روی چنان کسی ، رژیم سفاک و خون‌خام شاه هر چه توانسته شیوه‌های شکنجه پیاده کرده ، سید را شکنجه کرده تا اعتراف کند و او چیزی نگفت ، تا پوزش بخواد و اولباز لب‌نکشود ، تا مباحثه تلویزیونی کند که از مجاهدی چون او بدور بوده . سید انسان زندگی کرد و چون انسان بشهادت رسید مشعلی که او افروخت روشن‌تر و روشن‌تر خواهد ماند آری



بیژن جزینی

از دیگر انقلابیون بزرگی است که به همراه یاران سید مشعوف کلانتری ، عزیز سمردی ، احمد جلیل افشار ، حسن ضیاء ظریفی ، عباس سوزگی و چوپان زاده و دو مجاهد دیگر بنام کاظم ذالینوار و مصطفی خوشدل در زیر بدترین شکنجه‌های قرون وسطایی - بدون آنکه محکوم به اعدام شده باشند - شهید گردیدند .

رفیق بیژن جزینی از دوران نو جوانی ش مبارزه سیاسی روی آورد . این سختی گرانقدر در خانواده آن شهید بود و باعث گردیده بود که بیژن در سن بسیار پایین از نظر سیاسی و مبارزاتی رشد فراوان یابد . در سالهای پس از کودتا رفیق جزینی مبارزه خود ادامه داده و برای پیشبرد مبارزه در سال ۳۹ در سازمان دانشجویان دانشگاه‌های ایران که وابسته به جبهه ملی بود به فعالیت پرداخت اما خطر رژیم میستی و رهبری سازشکار این جریان با خواسته های مبارزاتی رفیق جزینی تطابق نیافته و رفیق بعنوان یکی از پیشگامان مبارزه علیه این رهبری مبارزه پرداخت . از همان دوران رفیق جزینی همراه با رفقای انقلابی دیگری همچون ظریفی ، کلانتری و مبارزانه یک تشکیلات مخفی دست زده و آماده بیکار میگردد . در طی این مبارزات ، وی بارها دستگیر شده و هر بار مدتی را در زندان گذرانده بود .

در زمستان سال ۴۶ ، گروه جزینی - ظریفی از طرف جاسوس پلیس ، عباس شهریاری لو رفته و اکثر اعضای آن دستگیر میشوند . رفیق جزینی در "دادگاه " به ۱۵ سال زندان محکوم میگردد . بعدها دوباره رفیق را بحاکمه کشیده و بزندان اید محکوم میسازند . تمامی این دوران زندان همراه این تشکیلات گوناگون که در سورد رفیق اعمال میشود و مقاومت و بیکار رفیق که حماسه پایداریش در تمام زندانها میبجید و دیوارهای زندانها را میشکافد و در تمام ایران پخش میگردد . مقاومت دلیرانه رفیق در برابر این وحشیگری ، شوقی است برای هر مبارز جوانی که تازه با بزندان میگذارد و هنوز در مبارزه علیه رژیم تجربه کافی نیافته است . مقاومت رفیق ، عظمت روحیه یک زندانی سیاسی مصمم و با اراده را مجسم مینماید .

در اسفند ۵۳ ، پس از اعلام تشکیل حزب فاشیستی رستاخیز شاه ، باز هم این رفقا را به زیر شکنجه بردند رژیم شاه کوشید تا با زور شکنجه از آنان تائیدی برای حزب فاشیستی رستاخیز بگیرد ، غافل از اینکه آنان مسئول خلق و مقاومت خلقند با هیچ ابزاری شکنجه نیستند . در نامه ای بنام " زندگی حماسه آفرین" که در مورد آنان نوشته شده ، میگوید "شکنجه آغاز شد همه ابزارها و شیوه‌های شکنجه‌گری به کار گرفته شد ، شبها و روزها طول کشیدند ، وحشیگری فاشیسم رستاخیز و مقاومت کوه‌مانند زحمتکشان ایران امروز راه سید محسن یعنی ویتنام و فلسطین را برای ایجاد جامعه دمکراتیک بر روی خرابه‌های محمدرضا شاهی ادامه میدهند . یاد او جاوید است .

اعلامیه‌های ...
 فریاد " مرگ بر شاه " ، زنده باد آزادی" سراسر میهن ما را بلرزه درآورده است . مردم ایران همه یکمدا خواهان نابودی اشرار مزدور پهلوی و حکومت جنایت و خیانت بار آنها هستند . رژیمی که سلطنت نکبت بار ۵۰ ساله اش چیزی جز فقر و بدبختی برای مملکت به ارمغان نیاورده است . تحت رهبری جنایتکارانه شاه ، بعنوان صنعتی کردن کشور سیل فزاینده سرمایه‌های کشورهای امپریالیستی بطرف ایران جاری گشته ، کشاورزی ایران به نابودی کشانده شده ، و میلیونها دهقان "انقلاب سفید زده" ما در جستجوی لقمه نانی آواره شهرها شده‌اند و کارگران زحمتکش پاسخ ابتدائی ترین خواسته‌های خود را از زبان مسلسل میشوند .

فشار اصلی سیاست فد ملی و سودپرستانه شاه تنها بر کرده کارگران کارخانجات و دهقانان زحمتکش و سایر رنجبران شهر و ده است که تا کنون همراه با دزدی سرمایه داران و مالکان از روی دستمزدهایشان تاوان سیاست خاشاکانه و ضد تولیدی و ضد خلقی رژیم را نیز با استعمار شدن بیشتر ، بی اطمینانی به آینده خود ، با فقر و دریدری مرگبار ، پرداخته‌اند . اما دیگر چیزی به پایان این غارتگریها ، جنایتها و نیرنگ بازیها نمانده . شاهد آن بودیم که چگونه خلق مبارز ما در تمامی مملکت با شعارهای درود بر خمینی ، زحمتکشان متحد شوید ، فرگ بر این حکومت فاشیستی و خواستار سرنگونی رژیم منقور پهلوی شدند . شاه خائن نیز چون تاب تحمل چنین ضربه‌ای را نداشت و برای جلوگیری کردن از اوچگیری نهائی این جنبش (یعنی پیوستن طبقه پیشرو و انقلابی کارگر به آن و مسلحانه شدن آن) مردم را از هوا و زمین به گلوله بست . شعارهایی را که شهدا و مبارزین راستین ما با خون خود در میدان شهدا و سایر نقاط بر دیوارها نوشتند هنوز باقیست .

کشتار مردم تنها راه کمی بیشتر دوام دادن به پایه‌های لرزان بنای پوسیده این رژیم ننگین است و شاه نیز از آن ابائی ندارد .

این جنایتکاران که دستا نشان به خون مردم بیگناه آلوده است ، در مجلسهای مسخره‌شان دم از اسلام هم میزنند . این هوجبهای موش صفت که تا دیروز و تا قبل از آنکه خلق برخیزد ، گام بردارد ، مبارزه کند ، و شهید بدهد کجا بودند که امروز در آن خطابه‌های تیز و برانشان شعار قانون !! و آزادی !! میدهند و میخواهند انقلاب پرشکوه مردم ما را با تسلیم طلبی و مبارزات به اصطلاح قانونی !! از مسیر رشد یابنده و پیروزمند خود منحرف سازند . ملت میدانند که همه این دم از آزادی زدنهای شاه و دارودسته اش نیرنگی بیش نیست .

این جلادان حاضرند بخاطر منافع موجودشان میلیونها نفر انسان را در کوره‌های آدم سوزی زیر شکنجه ، بوسیله ترور یا در زیر باران گلوله و چرخهای توپ و تانک نابود ساخته . اما ما با ایثار قلبهای خونین خود پرچم پیروزمند و رهایی بخش مبارزه را گلگون نموده و الهام بخشیده‌ایم این پرچم را دست به دست ، دستان پرتوان و سازنده و پولادین خلق ما خواهد گرفت تا در موج و پرتو درخشان آرمانهایمان زندگی عادلانه و طراز نوین فردا ساخته شود . این پرچم بدست زحمتکشان خواهد بود .

طبقه کارگر ما در چند ماه اخیر همراه با اوچگیری مبارزات مردم در شهرها ، بنا اعتمادات و تظاهرات خود ضربه‌های محکمی بر پیکر نحیف این مالکان و سرمایه داران وابسته زده است تا بتواند حق مسلم خود را که با غارتگری مشتی عامل امپریالیست چپاول میشود ، بدست آورد . رژیم که به اهمیت کفچه شدن کارگران به مبارزات مردم آگاه است با عجله و شتاب و تسلیم در برابر خواسته‌های حقیر و کوچک صنفی آنان سعی دارد تا از ورود این نیروی ویرانگر و این دشمن واقعی خود به میدان مبارزات جلوگیری نماید .

رژیم میدانند که تنها و تنها طبقه کارگر ایران است که میتواند با تشکیلات منظم و دانش انقلابی خود توده عظیم دهقانان را به همراه خود و سایر رنجبران و زحمتکشان به حرکت درآورد و رژیم پوسیده و ارتجاعی کنونی را تار و مار کند و به آرزوهای مردم (جامعای عادلانه ، برابری ، بدون بهره کثی و فقر و) تحقق بخشد . با وزود کارگران به میدان نبرد و افتادن رهبری مبارزات بدست آنها ، از این بنبعد نبرد در ایران ، وارد در یکی از خونین ترین پرشور ترین و امید بخش ترین دوران خود خواهد شد . دورانی که در آن خلق ما ، آخرین نبرد را با پیروزی به انجام خواهد رساند .

تقاضی مردم ما میدانند که آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران جز با نابودی رژیم وابسته به امپریالیسم و کسب قدرت سیاسی توسط توده‌های زحمتکش هرگز بدست نخواهد آمد . در این مبارزه چون دشمن تا به حلقوم از سلاحهای مهیب (که با خون مردم ما از کشورهای امپریالیست خریداری شده) مسلح است و هرگونه اعتراض مردم را با گلوله و توپ و تانک پاسخ میدهند . این پیروزی جز با یک انقلاب قهرآمیز ، خلقی و مسلحانه امکان پذیر نیست .

واژگون باد رژیم خائن و ضد خلقی شاه خائن
 پیروز باد انقلاب قهرآمیز خلق ایران
 برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

مهر ۱۳۵۷

این چند کلمه در متن اعلامیه غیر قابل خواندن است .

این از جمله اعلامیه‌هایی است که در ایران پخش گردیده و ما عینا آنرا بجا می‌سازیم .

نبرد ماندند ، تا به شهادت رسیدند . جزینی و یارانش آن کردند که از پرچمداران بیکار خلق انتظار میروند .

گرافین خلقی شایسته تو بود
 مرگی بدین بزرگی بایسته تویی .
 رژیم خائن و جانی شاه پس از این جنایت ضد بشری خود بدروغ تبلیغ کرد که آنان " در حال فرار کشته شده‌اند " . اینست ماهیت رژیمی که علیرغم هرگونه تبلیغ عوام فریبانه و ریاکارانه‌ای که بخاطر ضعفش در حال حاضر میکشد ، هرگز عوض نخواهد شد . خون جزینی و یارانش هرگز از یاد نمیروند .

رفقای ما ادامه یافت ، این دلاوران نستوه در زیر سخت ترین شکنجه‌ها بهیچ چیز ، جز به مصالح خلقها و آینده درخشان انقلاب نیاندیشیدند . نبرد بین مقاومت بهیظیر جزینی و یارانش و خونخواری وسیعیت فاشیسم رستاخیز ادامه یافت . در یکسو نمایندگان راستین خلق ، و در دیگر سوی کارگزاران دشمنان خلق ، شکنجه چنان محمدرضا شاه و اربابان اش . برای رفقا مبار خوب روشن بود که چه میکنند ، آنان پرچم مبارزه و مقاومت خلق را همچنان بردوش کشیدند و و این راه را ادامه دادند و در میدان این

کاخهای ظلم فر ومیریزند

ایران سراپا خیزش و قیام شده است. خلق دلیر ما بیبا خاسته و آخرین روزهای ارتجاع محمد رضاها را روزشماری میکند. و با هر ضربه جانانهای که بر پیکر پوسیده استبداد و نظام حاکمه دست برورده امپریالیزم یانکی وارد میآورد پیک گام بسوی انقلاب قهر آمیز و خونین ایرانی نزدیک تر میگردد. تصورش را بکنید تنها یکسال و اندی پیش نبود که جامعه کما بیش در زیر منجیق استبداد نفس حبس بود. و تنها گاهی، اینجا و آنجا خشم مردم جان بر لب رسیده و آواره، چون جرقه ای بر این سرزمین استبداد زده روشنائی میبخشید. گاه گروهی روشنفکر و یا دانشجوی در این بنا آن گوته تاریک شهر درگیر یک نبرد نابرابر نده و شهید میداد. ناراضی ها و خشم عمومی در سینه ها حبس بود و تنها چون خاکستری زیر آتش مینمود. و یا فلان اعتصاب کارگری و قیام کوچک دهقانی بگرد اضافه دستمزد و یا تکه زمین خنک و بی حاصل و یا دعوا با فلان شرکت تعاونی روستایی زالوصفت تنها گاهی روشنائی بخش آسمان تیره استبداد زده ایران بودند. و زندانها، این امارت کده های سرد اویسین و حصار، محلو از اراده و خشم و امید، آتش انقلاب، قصاب خانه شاه و ایل و تبارش بودند که قلب خلق ما را در زیر چنگالهای آغشته بخون خود میگردند. اگر چه زندگان در بند در زیر شکنجه های خونخواران اوین و کمیته و قزل قلعه فریاد میکشیدند ولیکن جز کلام "نه" و "پایدا- ری و استقامت دلیرانه چیزی بیشتر گیر دشمنان نمیاورد.

پیروزی بزرگی برای

خلقهای مبارز میهن ما

خلقهای قهرمان ایران، این هفته را با شادی یکی از بزرگترین پیروزیهای مبارزات پرافتخار خود آغاز کردند. بیش از هزار و صد نفر از بهترین و مبارزترین فرزندان مردم بیکارگر میهن ما، پس از سالها تحمل زجر و شکنجه و توهین و شلاق در سیاه چالهای رژیم شاه، به همت مبارزه مردم، به همت تسلاش پیگیرانه و بی امان آنها در راه تحقق خواست واحدشان، یعنی آزادی تمام زندانیان سیاسی، به همت مبارزات روزمره خانواده های بیکارگر دلیران دربند و بالاخره به همت مبارزه حوثی، سرسختی، تسلیم ناپذیری و اسنقامت خود این گرامی فرزندان میهن ما، سالهای سخت زندان را پشت سر نهادند و به آغوش میهن و هموطنان خود که این چنین بخاطر استقلال و آزادی رزمیده بودند، آمدند. افتخار بر یکایک آنان که رزم پر- نکوهشان مایه افتخار خلقهای ما بود و سنگر مبارزه شان همچو کوهی استوار در برابر رژیم مرجع.

در میان این گردان دلیر نامهایی همچون مفر قهرمانی، ناصر کاخاز، آیت الله منتظری و

گزارشی از آزاد شدن زندانیان سیاسی

گزارش آزاد شدن زندانیان سیاسی استقبالی که از زندانیان سیاسی رها شده توسط مردم بعمل آمد بی نظیر بود. براستی که مردم ارج فرزندان واقعی خود را با بهای سنگینی که برای رهائی زندانیان سیاسی متحمل شدند، نشان دادند. بگفته مفر قهرمانی "چه خونها که ریخته نشد، و چه بدها که به

اخبار مبارزات مردم

میهن ما به عرصه مبارزات عظیمی تبدیل شده است. این مبارزات با دامنه و حرکت خود ارتجاع را بلرزه انداخته است. در زیر اخبار این مبارزات را تا آن حدی که در اختیار ما قرار گرفته است، درج مینماییم.

مبارزات کارگران

ایران در یکماه اخیر یکبارچه اعتصاب بود. اینک مردم با کشتن مبارزه خود بمحل کاروکسب خود، در کنار تظاهرات و نمائینات خونین خیابانی، قادر گردیده اند رژیم محمد- رضا شاه را به منتها درجه مستاصل و لرزان نمایند. روزی نیست که صدها و حتی هزاران اعتصاب در کارخانه ها، موسسات و وزارتخانه های دولتی (و غیر دولتی) برپا افتد. بنا بگفته شریات امپریالیستی در اواسط مهرماه ۸ وزارت خانه دولت ایران، بطاعت اعتصابات وسیع کارگران و کارمندان، از کار افتادند و بخاطر اعتصاب سراسری پست، راه آهن، مخابرات و... رژیم بحدت فلج گردید. بنا بگفته همین جراید امیر- یالیستی یک میلیون نفر از کارگران و کارمندان در روز ۳۰۲ آبان ماه خواست آزادی همگی زندانیان سیاسی را مطرح مینمایند. این بخوبی گسترش و عمقیابی بی سابقه جنبش کارگری را منکس مینماید. در زیر شرح مختصر برخی از این مبارزات میپردازیم.

تهران- کارکنان (کارگران و کارمندان) اعتصاب وزارت بازرگانی، از تاریخ ۳۰ مهرماه، بطاعت رد شدن خواستهایشان توسط مسئولین مربوطه اعتصاب غذا دست میزنند و خواستار آزاد رفیق دستگیر شده و دریافت خواسته هایشان میگرددند. از دیگر خواستها، لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی، خروج کامل مستشاران خارجی تحریم مبادلات بازرگانی با اسرائیل، آفریقای جنوبی و رودزیا، معرفی و محاکمه عاملان فساد و کشتارهای دسته جمعی اخیر میباشد. اراک- ۳ هزارتن کارگران کارخانه های ماشینی سازی "هیگو والومودل" اراک روز ۳ آبانماه به یک تظاهرات پرشکوهِ دست میزنند. کارگران در تظاهرات خود پلاکات هایی باشعارهای "آزادی زندانیان سیاسی"، "لغو حکومت نظامی" و "تجدید انتخابات سندیکاهای کارگری" حمل مینمودند. در طی این راه پیمایی تعدادی از روحانیون و بازاریان مبارز و همچنین تعدادی از دانش آموزان اراک به صف تظاهرات کارگران دلیر ملحق شدند. بقیه در صفحه ۲

فقط یک جواب گرفت: نه! و این "نه" آنقدر تکرار شد که در سراسر زندانها پیچید و جاودانه گردید و این حماسه هرروز و هر لحظه در قالب مبارزاتی دیگر تکرار شد. خواستند که در زندان بیوماندند و ماند و مبارزه کرد و نیوسید. و چرا؟ آنچه خودش میگوید نشان دهنده ایمان بی پایان به خلقهای ماست که در بیرون دیوار ها نگران مبارزه و در تلاش آزاد ساختن بودند و این نگرانی و تلاش بیش از ۳۰ سال بطول انجامید. و امروز میوه آن رسیده است و خلق ما افتخار دارد که قهرمان خود، مفر قهرمانی را بمیان خود بازگردانده است. بقیه در صفحه ۲

گزارشی از مبارزات سوم آبان در دانشگاه تهران

در سه شنبه صبح، سوم آبان ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران محنت مبارزات بزرگی بود. دهها هزار دانشجو و دانش آموز و محصل از ساعت ۸/۴۵ دقیقه صبحگاه دست به تظاهراتی میزنند که

اخبار، مقالات، نظرات و کمکهای مالی خود را برای ما بفرستید.

ع.ا.ا.
را به
ایران بفرستید

G.I.S.N.U.
75 Karlsruhe
Postfach 1953
W. Germany

P.O.Box 4142
Berkeley Ca.
U.S.A. 94704

فهرست مطالب:

- ۱- کاخهای ظلم فرو میریزند. ص ۲۴
- ۲- پیروزی بزرگی برای خلقهای ایران. ص ۲۴
- ۳- گزارشی از آزاد شدن زندانیان سیاسی. ص ۲۴
- ۴- گزارشی از مبارزات سوم آبان در دانشگاه تهران. ص ۲۴
- ۵- اخبار مبارزات مردم. ص ۲۴
- ۶- اعلامیه های منتشر شده در ایران. ص ۹
- ۷- اسامی آزاد گشتگان از بند. ص ۳

معلو بود از شکوه و صفنائندی. بین تظاهرات یک ویژگی بزرگ داشت، و بعبارتی باتمام تظاهراتهای گذشته، فرقی داشت. فرقی که در چندین ساله اخیر مبارزات جنبش دانشجویی بی سابقه بود. این تظاهرات، گردهم آیی هزاران دانشجو و محصلو روشنفکر انقلابی و از همه بالاتر نمایندگان و کارگران آگاه و انقلابی- ایی بود، که برای خوش آمدگویی به زندانیان سیاسی آزاد شده تجمع کرده بودند. بدنیسال یکساعت راهپیمایی، تظاهراتکنندگان در محوطه آجن دانشگاه تهران تجمع مینمایند و از این به بعد، سخنرانی های آتشین، پیامهای انقلابی و سرودهای رزمنده خوانده میشد که هر چندگاه یکبار با طنین شعارهای انقلابی بمناسبت آزادی رفقای در بند، شور و هیجان زاهدالوصفی را بوجود میآورد.

محنت دانشگاه چنین روزهایی را کم دیده بود. جشن و سرور پیروزی خلق بر رژیم خاشن شاه بمناسبت آزادی رفقای در بند، چنان محیط انقلابی و رزمنده ای را بوجود آورده بود که حتی پاکون داران مزدور ارتش و پلیس شاه خاشن حرات نزدیک شدن به آنرا نداشتند.

گروههای مختلف انقلابی و مترقی در این مبارزه بزرگ شرکت داشتند. کمیته ای که رهبری این مبارزه بزرگ را در دست داشته هر چند یکبار نام زندانیان سیاسی را که آزاد می شدند قرائت میکرد که باشعارهای "درود، درود درود" رزمنده دانشجویان پاسخ داده میشد و سخن دانشگاه بلرزه میافتاد. در فواصل بین قرائت نام زندانی های قهرمان، شعارهایی از طرف رهبری داده میشد و هزاران تن بتکرار آن میپرداختند. شمارهایی چون "اعدام شاه جلاد، این است عزم مردم"، "آزادی زندانی سیاسی"، "دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران، این شاه امریکایی، اعدام باید گسردد"، "بیاری نوده ها شاه تورا میکشیم"، و دهها شعار رزمیده دیگر، زیست بخش تجمع مبارزاتی بود.

پیامهای تشییعی از طرف کارگران انقلابی دانش آموزان، معلمان، از نقاط مختلف ایران ایراد میشد. همچنین پیام همبستگی از طرف رفقای سازمان ما به مسئولین تظاهرات برای قرائت در این تجمع بزرگ داده شد. (مناسفانه بخشهایی از این پیام اشتباها از قلم افتاد) این پیام بدین صورت قرائت گردید: "مانمایندگان دانشجویان ایرانی خارج از کشور، عضو بقیه در صفحه ۸

انقلاب مسلحانه توده بی تنها راه استقرار جمهوری دمکراتیک خلق است!